

# تفسیر قرآن مہر

ڈاکٹر علی محمد عارفی و شہانہ اصنافی اور جمعیۃ التفسیر و ترویج احکامات

## ویسٹ جانان



جلد  
۱-۲۴



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# تفسیر قرآن مهر

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## بخش سوم: تفسیر سوره‌ی مریم

### اشاره

وحدانیت خدا  
رستاخیز باوری  
سرگذشت پیامبران الهی و مریم پاک  
تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۱۳

### اول: سیمای سوره‌ی مریم

### اشاره

سیمای سوره مریم  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
به نام خدای گسترده مهر مهرورز  
شمارگان:  
سوره‌ی مریم دارای ۹۸ آیه، ۹۸۲ کلمه «ا» و ۳۸۰۲ حرف است.  
نزول:

این سوره در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شد و چهل و سومین سوره در ترتیب نزول است (بعد از سوره‌ی فاطر و

قبل از سوره‌ی طه). این سوره پس از جریان هجرت به حبشه تا قبل از جریان معراج، یعنی بین سال‌های هفتم تا یازدهم قبل از هجرت نازل شده است، اما در چینش کنونی قرآن نوزدهمین سوره به شمار می‌آید.

نام‌ها:

نام‌های این سوره عبارت‌اند از: مریم و کهیصص.  
 نام‌گذاری آن به نام «مریم» از آن جهت است که در آیات ۱۶-۳۵ این سوره داستان مریم دختر عمران و مادر عیسی علیه السلام و تولد عیسی علیه السلام مطرح شده است.  
 و نام دوم سوره از حروف مقطعه‌ی اولین آیه‌ی آن گرفته شده است.  
 تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۱۴

### فضایل

در مورد فضیلت این سوره از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:  
 هر کس به خواندن سوره‌ی مریم مداومت کند، قبل از مرگ، خدا او را از نظر جان، مال و فرزند، بی‌نیاز می‌کند. «۱»  
 روشن است که این گونه پاداش‌ها مستلزم تفکر در سوره و عمل به مفاد آن است.  
 ویژگی:  
 آیه‌ی ۵۸ این سوره یک سجده‌ی مستحب دارد.

### اهداف

۱. توجه به پاکی خدا و اثبات وحدانیت او؛
۲. توجه دادن مردم به رستاخیز؛
۳. بیان برخی داستان‌های پیامبران در راستای دو هدف فوق.

### مطالب

الف) عقاید:

۱. اثبات وحدانیت خدا و نفی فرزند داشتن او (در آیات ۳۵ و ۸۸)؛
  ۲. مسائل مربوط به قیامت و چگونگی رستاخیز و سرنوشت مجرمان و پارسایان (در آیه‌ی ۶۸ به بعد).
- ب) اخلاق:

پندها و اندرزهایی در راستای توجه به آخرت.

ج) احکام:

تذکری در رابطه با نماز (در آیه‌ی ۵۹).

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۱۵

د) داستان‌ها:

۱. داستان حضرت مریم و تولد عیسی علیه السلام (در آیات ۱۶-۳۴)؛

۲. داستان یحیی پیامبر صلی الله علیه و آله (در آیات ۲-۱۵)؛  
 ۳. اشاره‌ای به داستان حضرت ابراهیم علیه السلام و آزر (در آیه ۴۱)؛  
 ۴. اشاره‌ای به داستان ادريس علیه السلام؛  
 ۵. اشاراتی به پیامبران الهی هم‌چون آدم، نوح، اسحاق، یعقوب، موسی، هارون، ادريس و اسماعیل (در آیات ۴۹-۵۸).  
 (ه) مطالب فرعی:

۱. طرح مسأله‌ی شفاعت به عنوان یک برنامه‌ی تربیتی؛  
 ۲. همه‌ی مردم داخل جهنم خواهند شد و افراد باتقوا نجات می‌یابند (در آیات ۷۰-۷۱).

\*\*\*

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۱۷

## دوم: محتوای سوره‌ی مریم

### سرگذشت زکریا

قرآن کریم در آیات اول تا سوم سوره‌ی مریم با اشاره به پنج مورد از حروف مُقَطَّعه، به داستان زکریا علیه السلام می‌پردازد و می‌فرماید:

۱-۳. کَهِيعَصْ \* ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا \* اِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا

کاف، ها، یا، عین، صاد. \* (این) یاد رحمت پروردگار تو نسبت به بنده‌اش زکریاست؛ \* هنگامی که پروردگارش را با ندایی در مخفیگاه، صدا زد.  
 نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. در مورد حروف مقطعه‌ی قرآن ذیل آیه‌ی اول سوره‌ی بقره و آل عمران مطالبی بیان شد. این حروف اشاره به آن است که قرآن از همین حروف معمولی الفبا ساخته شده است و یا این که این حروف رمزی بین خدا و پیامبرش است.  
 ۲. در برخی از احادیث روایت شده که حروف مقطعه‌ی «کهیعض» اشاره به نام‌های بزرگ خدا «۱» و یا اشاره به ماجرای قیام امام حسین علیه السلام در کربلاست. «۲»

البته ممکن است یک آیه به معانی مختلف ظاهری و باطنی اشاره داشته

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۱۸

باشد و جمع آنها با هم منافاتی ندارد و انحصار آیه در یک معنا، بدون دلیل، ممکن نیست.

۳. دومین آیه‌ی این سوره به داستان زکریای پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده است.

در قرآن هشت بار از زکریای پیامبر یاد شده «۱» که نسبت او به داود پیامبر می‌رسیده است. «۲»

او از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل و از سران یهود در زمان خویش بود و ثروت زیادی داشت که از طریق سلیمان به خانواده‌ی او ارث رسیده بود ولی تا زمان پیری‌اش فرزندی نداشت.

در این آیه و آیات بعد سرگذشت این پیامبر و دعای او در مورد فرزند دار شدن و مژده‌ی تولد یحیی علیه السلام بیان خواهد شد که بسیار آموزنده است.

۴. حد اقل سه چیز در نزول رحمت الهی تأثیر دارد که عبارت‌اند از:

الف) بنده و مطیع و فرمان بردار حق بودن؛

ب) درخواست از خدا و مناجات با او؛

ج) در خلوتگاه و مخفیانه با خدا راز و نیاز کردن که سبب توجه بیش تر انسان به خدا و اخلاص دعا کننده می شود.

۵. «خَفِيًّا» به معنای مخفیانه و در خلوتگاه است و به معنای آهسته سخن گفتن نیست چرا که زکریا ندا می کرد؛ یعنی زکریا در

خلوتگاهی، خدا را با صدای بلند می خواند. «۳»

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۱۹

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. قرآن از حروف معمولی ساخته شده (ولی در همان حال معجزه است و کسی نمی تواند مثل آن را بیاورد).

۲. خدا بر بندگانی که مخفیانه از او چیزی بخواهند، رحمت خویش را نازل می کند (پس شما هم بنده باشید و در خلوت دعا کنید تا رحمتش را بر شما فرود آورد).

\*\*\*

قرآن کریم در آیات چهارم تا ششم سوره‌ی مریم به دعای زکریا و درخواست فرزند از خدا اشاره می کند و می فرماید:

۴-۶. قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا\* وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا\* يَرِيئِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا

گفت: «پروردگارا، برآستی من استخوانم سست گردیده، و از جهت پیری (موی) سر شعله‌ور شده (و سفید گشته است.) و پروردگارا، (من) به سبب خواندن تو در (زحمت و) بدبختی نبوده‌ام.\* و در حقیقت من بعد از خودم از بستگانم ترسانم در حالی که زخم نازاست؛ پس از جانب خود سرپرستی (فرزندی) را به من ببخش؛\* که از من ارث برد و از خاندان یعقوب (نیز) ارث برد؛ و پروردگارا، او را مورد رضایت قرار ده.»

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. در این آیات پیری و موی سپید زکریا به شعله‌ای تشبیه شده که تمام سر را فرا می گیرد؛ شعله‌ی آتش زود گسترده می شود و چیزی باقی نمی گذارد و در همان حال درخشندگی خاصی دارد و جلب توجه می نماید، موی سفید افراد کهن سال نیز همین گونه است.

۲. در این آیات زکریا اشاره می کند که پروردگارا تو همیشه دعا‌های مرا

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۲۰

مستجاب کرده‌ای و من در این مورد بدبخت نبوده‌ام و در زحمت نیفتاده‌ام «۱» و اکنون که پیر شده‌ام، سزاوارترم که دعایم را مستجاب فرمایی و مرا ناامید نگردانی.

۳. همسر زکریا، خواهر حضرت مریم، دختر عمران بود. او عقیم و نازا بود و هنگامی که زکریا به سن پیری رسید و همسر او نیز

کهن سال شد، از خدا درخواست فرزند کرد که خدا حضرت یحیی را به آنان عطا فرمود. «۲»

۴. زکریا برای درخواست فرزند چند دلیل و مقدمه آورد:

نخست گفت: من پیر شده‌ام.

دوم گفت: من قبلاً در دعاها محروم و بدبخت نبوده‌ام (و دعایم زود مستجاب می شده است).

سوم گفت: من از اطرافیانم بیمناکم (که راه مرا ادامه ندهند و اموال مرا در راه فساد مصرف کنند).

چهارم گفت: زن من نازاست و فرزند نیآورده است.

و پنجم گفت: این فرزندی که به من می‌دهی وارث من و خاندان یعقوب خواهد شد.

۵. قرآن کریم در این آیات به ما آداب دعا را می‌آموزد که چگونه از خدا درخواست کنیم و چگونه مقدماتی فراهم آوریم که دریای رحمت الهی را به خروش آورد و عنایات خود را بر دعا کننده فرو ریزد.

۶. زکریا قبل از آن که خدا به او فرزندی عنایت کند در مورد او دعا می‌کند و از خدا می‌خواهد که او را مورد رضایت خویش قرار دهد.

این آموزه‌ای برای همه‌ی پدران است که اولاً در مورد فرزند خود قبل از تولد دعا کنند و ثانیاً خشنودی خدا را اصل بدانند و از خدا بخواهند که فرزندی به آنان عنایت کند که مورد رضایت خودش باشد.

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۲۱

۷. مفسران قرآن در مورد این که مقصود از «ارث» در این آیه چیست، چند احتمال داده‌اند:

نخست آن که، مقصود از ارث در این جا همان مقام نبوت یا ارث معنوی باشد؛ یعنی از آن جا که زکریا فرزندی نداشت، بیم آن می‌رفت که رهبری معنوی مردم به دست افراد ناشایست بیفتد و راه انحراف را در پیش گیرند.

دوم آن که، مقصود ارث در اموال باشد؛ چون همسر زکریا از دودمان سلیمان بود و اموالی از او به ارث برده بود و زکریا نیز از بزرگان یهود بود که هدایا و نذرهای فراوانی برای او می‌آوردند و زکریا بیم داشت که این اموال به دست افراد ناشایست و فرصت‌طلبان فاسق بیفتد و منشأ فساد در جامعه شود؛ از این رو تقاضای فرزندی صالح کرد که وارث او گردد. شاهد این احتمال دوم استدلال حضرت زهرا علیها السلام به این آیه برای بازپس گرفتن فدک به عنوان ارث است. «۱»

و احتمال سوم آن است که مقصود از ارث در این جا معنای اعم باشد که شامل ارث اموال و مقامات معنوی می‌شود؛ زیرا هر دو قرآینی در آیه و روایات دارند و منافاتی با هم ندارند. «۲»

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. دعای مردان خدا مستجاب است.

۲. آینده‌نگر باشید و نسبت به اموال و مسئولیت‌های خود، جانشینی در نظر بگیرید.

۳. قبل از آن که به فکر طلاق زنان نازا یا ازدواج مجدد بیفتید از خدا بخواهید که از همان همسر اول فرزندی به شما بدهد.

۴. در مورد فرزندان آینده‌ی خود دعا کنید و از خدا وارثانی

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۲۲

نیکو درخواست کنید.

۵. خشنودی پروردگار از فرزند انسان، از مهم‌ترین ویژگی‌های اوست.

۶. در هنگام دعا، مقدماتی بیان کنید، سپس درخواست اصلی را بگویید.

\*\*\*

قرآن کریم در آیات هفتم تا نهم سوره‌ی مریم به مژده‌ی تولد یحیی و گفت‌وگوی زکریا با پروردگار اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۷-۹. يٰۤزَكَرِيَّا اِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلْمٍ اسْمُهُ يَحْيٰى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا \* قَالَ رَبِّ اَنْىٰ يَكُوْنُ لِيْ غُلْمٌ وَّكَانَتْ اِمْرَاَتِيْ عَاقِرًا وَّقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا \* قَالَ كَذٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلٰى هَيِّئٍ وَّقَدْ خَلَقْتَكَ مِنْ قَبْلُ وَّلَمْ تَكُ شَيْئًا

ای زکریا! براستی ما تو را به پسری که نامش «یحیی» است، مژده می‌دهیم؛ که پیش از (آن)، هیچ همنامی برای او قرار نداده‌ایم.\* (زکریا) گفت: «پروردگار! چگونه برای من پسری خواهد بود؟! در حالی که زخم نازاست، و یقیناً از (شدت) پیری به فرتوتی رسیده‌ام!»\* (فرشته) گفت:



«چنین است، پروردگار تو گفته: که آن (کار) بر من آسان است؛ و یقین پیش از (آن) تو را آفریدم در حالی که هیچ چیزی نبود.»

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. در این آیات بیان شده که خدا لطف ویژه‌ای بر زکریا نمود؛ چون

اولاً، دعای او را پذیرفت؛

ثانیاً، پسری به او عنایت کرد؛

ثالثاً، نام این کودک را خودش نهاد؛

رابعاً، نام یحیی (یعنی زنده می‌ماند) بر او نهاد که قبلاً هم‌نامی در جهان نداشت.

۲. جمله‌ی «قبلاً کسی هم‌نام او نبوده است» اشاره به آن است که نام «یحیی» تازگی دارد و نام نشانه‌ی شخصیت افراد است؛ پس روشن می‌شود که «یحیی» دارای امتیازاتی بوده که قبلاً در وجود کسی نبوده است.

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۲۳

۳. نام حضرت یحیی علیه السلام پنج بار در قرآن آمده است. «۱» او یکی از پیامبران بزرگ خدا بود که در کودکی به مقام نبوت رسیده و به شهوت‌های دنیوی پشت پا زده بود.

یحیی پسر خاله‌ی عیسی بود و همو بود که «عیسی» را پس از تولد غُشیل داد. برخی گفته‌اند که گروهی از صابئین پیروان یحیی هستند. «۲»

این پیامبر بزرگ الهی در احادیث اسلامی به امام حسین علیه السلام تشبیه شده است؛ «۳» چون هر دو شهید شدند و سر مبارکشان نزد سلطان ستمگر عصرشان برده شد و نام هر دو بی‌سابقه بود و مدت بارداری مادران هر دو کم‌تر از نه ماه بود. «۴»

۴. در این آیه اشاره شده که زکریا از مژده‌ی فرزندان شدنش تعجب کرد؛ زیرا اسباب ظاهری را برای تولد فرزند مساعد نمی‌دید؛ از طرفی همسرش نازا بود و از طرف دیگر خودش کهن‌سال و فرتوت شده بود.

پس او نمی‌خواست به فرمان الهی اعتراض کند و معرفت کافی نسبت به خدا داشت، اما این مطلب برایش عجیب بود و تعجب خود را اظهار کرد.

۵. خدایی که می‌تواند از هیچ، انسانی بیافریند، می‌تواند در فرتوتی و کهن‌سالی نیز به کسی فرزندی عطا کند و این مطلب شگفتی نیست.

۶. گوینده این مطالب به زکریا، خدا و یا فرشتگانی بودند که از طرف خدا پیام آورده بودند، همان‌طور که در آیه‌ی ۳۹ سوره‌ی آل‌عمران بدین مطلب

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۲۴

اشاره شده است. «۱» البته مانعی ندارد که فرشتگان، واسطه و پیام رسان بوده باشند و در عین حال خدا اصل پیام را به خود نسبت می‌دهد و نیز مانعی ندارد که در آیه‌ی ۳۹ آل‌عمران بخشی از پیام خدا به زکریا بیان شده و در این آیه بخش دیگری را بیان کرده‌اند.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. خدا، دعای مردان الهی را می‌پذیرد و بهتر از آنچه درخواست می‌کنند به آنان می‌دهد.

۲. از لطف و قدرت خدا شگفت زده نشوید که این کارها برای خدا آسان است.

۳. اگر خدا بخواهد در هر شرایطی فرزند عنایت می‌کند، بلکه می‌تواند از هیچ، انسانی بیافریند؛ و این کارها برای خدا آسان است.

\*\*\*

قرآن کریم در آیات دهم و یازدهم سوره‌ی مریم به نشانه‌ی درستی مژده‌ی تولد یحیی و سخنان رمزگونه‌ی زکریا اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۱۰ و ۱۱. قَال رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا \* فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا

(زکریا) گفت: «پروردگارا! برای من نشانه‌ای قرار ده.» فرمود:

«نشانه‌ات این است که سه شب (و روز) در حال تندرستی، با مردم سخن نگوئی.»\* و از محراب (عبادتش) به سوی قومش بیرون آمد، و به آنان اشاره کرد: «که صبحگاهان و عصرگاهان تسبیح گوئید.»

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۲۵

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. زکریا به خاطر شوق به وعده‌ی الهی از خدا درخواست نشانه‌ی زمان تحقق وعده‌ی تولد یحیی را نمود.

نشانه‌ای که برای زکریا قرار داده شد آن بود که تا سه شبانه‌روز روزی سکوت گرفت به طوری که نمی‌توانست با مردم سخن بگوید «۱» (و تنها در هنگام مناجات و یاد خدا زبانش به سخن می‌آمد).

۲. «وحی» به معنای اشاره‌ی سریع و مخفی است و در این جا مقصود آن است که زکریا سخن نمی‌گفت ولی، به صورت رمزی و با اشارات به مردم می‌فهماند که به شکرانه‌ی نعمت‌های الهی، صبح و شام تسبیح خدا بگویند که این مطلب ایمان مردم را استوارتر می‌ساخت.

۳. «محراب» به محل خاصی گفته می‌شود که در مسجد یا عبادتگاه‌ها در نظر می‌گیرند و مخصوص امام یا افراد برجسته‌ی مذهبی است.

و در مورد علت نام‌گذاری آن دو احتمال وجود دارد: نخست آن که واژه‌ی «محراب» از ریشه‌ی «حزب» به معنای جنگ است؛ چراکه محراب محل جنگ با شیطان و هوای نفس است.

و احتمال دوم این که محراب به معنای نقطه‌ی بالای مجلس است و از آن جا که محراب در بالای عبادتگاه است، بدان محراب می‌گویند. «۲»

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. خدا هم به بندگانش لطف می‌کند و هم نشانه‌ی آن لطف را آشکار می‌سازد.

۲. راه‌های سخن گفتن و تبلیغ و راه‌نمایی مردم منحصر به زبان نیست، بلکه از راه رمز و اشاره نیز می‌توان مردم را راه‌نمایی کرد.

۳. صبح و شام زمان مطلوبی برای تسبیح پروردگار است.

۴. اگر خدا نعمتی به شما بخشید با هر وسیله‌ی ممکن شکر آن را به جا آورید.

\*\*\*

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۲۶

قرآن کریم در آیات دوازدهم تا پانزدهم سوره‌ی مریم به نبوت یحیی و صفات برجسته‌ی او و سلام الهی بر او اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۱۲- ۱۵. يٰحَيُّ خُذِ الْكِتٰبَ بِقُوَّةٍ وَّآتَيْنٰهُ الْحِكْمَ صَبِيًّا \* وَحَنَانًا مِّنْ لَّدُنَّا وَ زَكٰوَةً وَّكَانَ تَقِيًّا \* وَبَرًّا بِوٰلِدَيْهِ وَّلَمْ يَكُنْ جَبْرًا عَصِيًّا \* وَسَلِّمْ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَّيَوْمَ يَمُوْتُ وَّيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا

ای یحیی کتاب (خدا) را با قوّت بگیر. و در حال کودکی، فرمان (نبوّت) را به او دادیم.\* و از نزد خود مهربانی (و رحمت) و پاکی (به او دادیم) و خودنگه‌دار (و پارسا) بود.\* و نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود؛ و زورگوی نافرمان نبود.\* و سلام بر او باد، روزی که تولّد یافت، و روزی که می‌میرد، و روزی که زنده برانگیخته می‌شود!

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. بسیاری از مفسران قرآن بر آن‌اند که مقصود از «کتاب» در این آیه «تورات» است که حضرت یحیی علیه السلام مأمور شد از آن پیروی کند و دستوراتش را در جامعه اجرا نماید. «۱»

ولی برخی صاحب نظران بر آن‌اند که مقصود از کتاب در این جا شریعت است. (م)

البته این احتمال نیز وجود دارد که به یحیی کتابی ویژه داده شده باشد هر چند آیین جدیدی نیآورده باشد. «۲»

۲. مقصود از گرفتن کتاب با قوّت آن است که با قاطعیت و اراده‌ای محکم محتوای آن را اجرا کند و در راه گسترش آن از هر نیروی مادی و معنوی بهره بگیرد، که هیچ کتاب و مکتبی بدون قوّت و قاطعیت پیروانش اجرا نمی‌شود و با سستی و مسامحه از پیش نمی‌رود. «۳»

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۲۷

۳. خدا در کودکی به یحیی نبوت داد؛ یعنی ممکن است دوران شکوفایی عقل و استعداد انسان جلو بیفتد و در کودکی به مراحل تکامل برسد به طوری که شایسته‌ی دریافت وحی و مقام نبوت شود.

همان طور که امام علی علیه السلام در کودکی ایمان آورد و برخی امامان علیهم السلام در کودکی به امامت رسیدند.

۴. «زکاء» در اصل به معنای پاکی و رشد است، ولی معنای وسیعی دارد که شامل هر گونه پاکی، اعم از عمل صالح، نیکی و حُسن شهرت می‌شود.

البته این واژه در سوره‌های مدنی به معنای مالیات اصطلاحی است که در اسلام گرفته می‌شود و سبب پاکی و رشد اموال می‌شود.

۵. در این آیه به سه روز مشکل و سرنوشت‌ساز زندگی انسان اشاره شده است. روز گام نهادن به این دنیا، روز انتقال به جهان دیگر و روز برانگیخته شدن برای صحنه‌ی رستاخیز، که هر سه روز با بحران‌هایی روبه‌روست، و خدا سلامت و عافیت خود را در این سه مرحله شامل حال بندگان خاص خود می‌کند.

۶. در حدیثی از امام رضا علیه السلام روایت شده که

وحشتناک‌ترین دوران زندگی انسان سه مرحله است؛ آن روز که متولد می‌شود و چشمش به دنیا می‌افتد و آن روز که می‌میرد و آخرت و اهل آن را می‌بیند و روزی که برانگیخته می‌شود و احکام و قوانینی را مشاهده می‌کند که در این جهان حکم فرما نبوده است.

خدا سلامت را در این سه روز شامل حال یحیی نمود و او را در برابر وحشت‌ها امنیت بخشید و فرمود: درود و سلامت بر او... «۱»

۷. صفت «جَبَّار» اگر در مورد انسان به کار رود به معنای جبران کمبودهای شخص به وسیله ادعای بی‌مورد است؛ مثل زورگویان که اراده‌ی خود را بر

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۲۸

مردم تحمیل می‌کنند و خود را بالاتر از آنچه هستند، می‌دانند، اما در مورد خدا به معنای کسی است که نقص‌های دیگران را جبران می‌کند. «۱»

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. کتاب الهی را با قوّت بگیرد و بدان عمل نماید.

۲. برخی افراد شایسته در کودکی به بزرگی می‌رسند و حکم نبوت را دریافت می‌کنند.
۳. هم‌چون یحیی بامحبت، پاک، پارسا، و نیکوکار نسبت به پدر و مادر باشید و ستمکار و نافرمان نباشید.
۴. خدا در سه روز سخت تولد، مرگ و رستاخیز، سلامتی و درود خود را شامل حال بندگان پاک پارسا می‌سازد.
۵. روزهای مهم زندگی به ویژه روز تولد و مرگ افراد را گرامی بدارید.

\*\*\*

### سرگذشت مریم (س)

قرآن کریم در آیات شانزدهم و هفدهم سوره‌ی مریم به سرگذشت مریم و ملاقات او با فرشته‌ی بزرگ الهی اشاره کرده، می‌فرماید:

۱۶ و ۱۷. وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَدَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا \* فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا \*  
و در کتاب (قرآن)، مریم را یاد کن، هنگامی که از خانواده‌اش به مکان شرقی (بیت المقدس) کناره گرفت. \* و در برابر آنان پرده‌ای (بر خود) گرفت. و روح خود (: جبرئیل) را به سوی او فرستادیم؛ و در حالی که بشری درست اندام بود، بر او نمایان شد.

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۲۹

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. مریم خلوتگاهی برگزید و پرده و حجابی در اطراف آن قرار داد تا فارغ از هرگونه دغدغه به راز و نیاز با خدا بپردازد و بدین منظور به منطقه‌ی شرقی بیت المقدس رفت که شاید محلی آرام‌تر و مناسب‌تر بود.
۲. تعبیر این آیه در مورد مریم علیها السلام می‌رساند که او به صورتی فروتنانه و گم‌نام و بدون جلب توجه دیگران کناره‌گیری کرد و به خلوتگاه خود رفت. (۱)
۳. مقصود از «روح خدا» در این آیه فرشته‌ی بزرگ الهی، یعنی جبرئیل است و به او «روح» گفته می‌شود؛ زیرا او روحانی و حیات‌بخش است و با پیام وحی الهی، انسان‌های شایسته را احیا می‌کند.
- و اضافه‌ی روح به خدا، اضافه‌ی تشریفی است؛ یعنی این روح و فرشته، با شرافت و با عظمت است. (۲)
۴. واژه‌ی «تَمَثَّلَ» در اصل به معنای ایستادن در برابر شخص یا چیزی است؛ یعنی جبرئیل که فرشته‌ای مجرد از ماده است، به صورت انسانی در برابر مریم نمایان شد.
- البته حقیقت وجودی جبرئیل تغییر نکرد، بلکه صورت او تغییر نمود، ولی مریم که از این موضوع خبر نداشت، تصور کرد که واقعاً انسانی در برابر او ایستاده است.
۵. از این آیه معلوم می‌شود که ممکن است فرشتگان با غیر پیامبران نیز سخن بگویند و به صورت انسانی ظاهر شوند و این نشانه‌ی بزرگی مقام آن افراد است.

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۳۰

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. مریم زنی باعفت و خلوت‌گزین بود.
۲. ممکن است فرشتگان الهی به صورت انسانی در برابر دیگران ظاهر شوند.
۳. داستان مریم و عفت او را بیان کنید.

\*\*\*

قرآن کریم در آیات هجدهم تا بیست و یکم سوره‌ی مریم به گفت‌وگوی مریم با فرشته‌ی الهی و فرمان خدا برای به وجود آمدن عیسی اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۱۸- ۲۱. قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتُ تَقِيًّا\* قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا\* قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا\* قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا

(مریم) گفت: «من از (شرِّ) تو، به (خدای) گسترده مهر پناه می‌برم، اگر خودنگه‌داری، (پس از عذاب خدا بترس!)» \* (فرشته) گفت: «من فقط فرستاده پروردگارِ توام؛ برای این که پسری پاک به تو ببخشم.» \* (مریم) گفت: «چگونه برای من پسری خواهد بود، در حالی که هیچ بشری با من تماس نگرفته است، و تجاوزکار (آلوده) نبوده‌ام؟!» \* (فرشته) گفت: «چنین است، پروردگار تو گفته که آن (کار) بر من آسان است. و (عیسی را آفریدیم) تا او را نشانه‌ای برای مردم و رحمتی از جانب خود قرار دهیم؛ و (این) کاری پایان یافته است!»

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. مریم همواره پاک دامن زیسته بود و در دامان پاکان پرورش یافته بود، به طوری که عفت و تقوای او ضرب المثل شده بود، اما هنگامی که در خلوتگاه خود بود، مرد بیگانه‌ی زیارویی را دید که در آن جا راه یافته است، وحشت و

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۳۱

دلهره او را فراگرفت و از این رو به خدای رحمان پناه برد.

۲. سخنان مریم در برابر مرد ناشناخته، چند نکته‌ی مهم در بردارد:

اولاً، به خدا پناه می‌برد؛ ثانیاً، آن مرد را به تقوا تشویق می‌کند و ثالثاً، خدای رحمان را به یاد او می‌آورد تا آن مرد از خدا بترسد و خود را کنترل کند و قصد سوئی به او نکند؛ زیرا انسان باتقوا هنگامی که به یاد خدا بیفتد می‌ترسد.

۳. سخنان فرشته‌ی الهی ابتدا مریم را آرام ساخت چون متوجه شد که او انسان نیست، اما هنگامی که مژده‌ی عیسی را به او داد، بار دیگر نگران شد و گفت: فرزنددار شدن دو راه دارد: ازدواج و یا آلودگی و من هیچکدام از این دو راه را نرفته‌ام؛ پس چگونه صاحب فرزندی شوم. البته مریم بر اساس قوانین طبیعی فرزنددار شدن می‌اندیشید.

اما این بار هم سخنان فرشته که از فرمان حتمی الهی سخن گفت، او را آرام کرد.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. اگر زنی با مرد بیگانه در خلوتگاهی روبه‌رو شد، به خدا پناه ببرد و با یاد خدای رحمان مرد را تشویق به تقوا کند.

۲. خدا می‌خواست با باردار شدن شگفت‌آور و غیرطبیعی مریم، نشانه‌ای معجزه‌آسا برای مردم ارائه کند.

۳. عیسی علیه السلام، نشانه‌ی خدا و رحمت الهی برای مردم بود.

۴. مریم علیها السلام، زنی پاک، خداشناس و مورد عنایت الهی بود.

۵. کارهای غیر طبیعی و معجزات برای خدا آسان است (از آنها تعجب نکنید).

\*\*\*

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۳۲

قرآن کریم در آیات بیست و دوم و بیست و سوم سوره‌ی مریم به دوران بارداری و درد زایمان و ناراحتی مریم اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۲۲ و ۲۳. فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَدَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا\* فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَلَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَّسِيًّا

و (مریم) به او (: عیسی باردار شد؛ و با او به مکان دوردستی کناره گرفت؛\* و درد زایمان، او را به سوی تنه درخت خرمايي

کشاند؛ (مریم) گفت: «ای کاش من پیش از این مرده بودم، و کاملاً فراموش شده بودم.»

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. در آیات پیشین بیان شد که فرشته‌ی الهی نزد مریم آمد و به او مژده داد که صاحب فرزند پسری می‌شود و اینک در این آیه بیان شده که مریم باردار شد، اما روشن نساخت که چگونه این فرزند به وجود آمد.

البته روشن است که تولد عیسی به صورتی معجزه‌آسا و بدون پدر بوده است «۱» و این کار به واسطه‌ی القا و دمیدن فرشته در وجود مریم اتفاق افتاد. «۲»

البته امکان این مطلب هیچ منافاتی با نیاز کودک به پدر و مادر ندارد، چراکه بکرزایی یعنی، تولد نوزادان بدون نیاز به پدر، مسأله‌ای پذیرفته شده در علم است «۳» هر چند تولد عیسی علیه السلام امری خارق عادت بود.

۲. وقتی مریم علیها السلام بدون شوهر باردار شد، از بیم سرزنش مردم و تهمت آنان، از بیت‌المقدس به مکان دوردستی رفت. برخی مفسران نوشته‌اند او به شهر «ناصره» رفت و شاید در آن شهر نیز پیوسته در خانه می‌ماند و کم‌تر بیرون می‌رفت. «۴»

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۳۳

۳. مریم در هنگام وضع حمل، از شهر و مردم کناره گرفت؛ زیرا نمی‌خواست کسی از وضع حمل او آگاه شود؛ و درد زایمان «۱» او را به کنار تنه‌ی درخت خرمایی کشاند.

۴. مریم علیها السلام از سویی خوشحال بود که فرزند او یک تحفه‌ی الهی است که به صورت معجزه‌آسایی به او داده شده است و از سویی ناراحت بود چون می‌دانست در نهایت راز او فاش می‌شود و گرفتار سرزنش‌ها و تهمت‌ها می‌گردد و از سویی دیگر وضع حمل در تنهایی و بدون ماما و پرستار و بدون آب و غذا او را آزار می‌داد و به قدری ناراحت شد که گفت: ای کاش پیش از این مرده بودم و به کلی فراموش شده بودم.

۶. تقاضای مرگ از خدا کار درستی نیست، اما موقعیت بسیار سختی برای مریم پیش آمده بود، که آبرو و جان کودکش را در خطر و بی‌دفاع می‌دید. او آبروی خود را بیش از جانش دوست می‌داشت؛ از این رو برای لحظاتی آرزو کرد که ای کاش می‌مردم و بی‌آبرو نمی‌شدم، اما پس از چند لحظه که اعجاز و دستورات الهی به او رسید این حالت برطرف شد.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. زنان باردار را از غوغاها و فشارهای روحی دور کنید.

۲. آبروی انسان از جان او عزیزتر است.

۳. زنان باردار، در هنگام وضع حمل درد شدیدی دارند و نیازمند تکیه‌گاهی هستند (به آنها رسیدگی کنید).

\*\*\*

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۳۴

قرآن کریم در آیات بیست و چهارم تا بیست و ششم سوره‌ی مریم به دستورات آرام‌بخش الهی به او در مورد غذا، نوشیدنی و روزه‌ی سکوت اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۲۴-۲۶. فَادَّيَّهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا \* وَهَزَي إِلَيْكَ بِجَنَاحِ النَّخْلَةِ تُسْقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا حَلِيًّا \* فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيَنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنَّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا

و از زیر پای او ندا داد که: «اندوهگین مباش، چرا که پروردگارت زیر پای تو چشمه‌آبی (و کودکی شریف) قرار داده است؛\* و تنه درخت خرما را به سوی خود تکان ده، تا رطب تازه‌ای بر تو فرو ریزد؛\* و بخور، و بنوش؛ و دیده روشن دار، و اگر از جنس بشر کسی را دیدی، پس بگو: «در واقع من برای (خدای) گسترده‌مهر روزه‌ای نذر کرده‌ام؛ و امروز با هیچ انسانی سخن نمی‌گویم.»

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. خدا می‌خواست مریم در برخورد با مشکلات ساخته شود و الطاف الهی را به چشم ببیند، تا بتواند وظیفه‌ی مادری یک پیامبر بزرگ را به خوبی انجام دهد.

۲. «سریاً» به معنای نهر جاری است. (۱)

یعنی ناراحت غذای خود مباش که ما آبی گوارا در نهری نزدیک پای تو جاری ساخته‌ایم و خرماي تازه نیز فراهم کرده‌ایم. (۲)

۳. در این آیه فرشته‌ای، یا عیسی، به مریم علیها السلام دستور می‌دهد که درخت

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۳۵

خرما را تکان دهد، تا از خرماي تازه‌ی آن بهره گیرد. این آموزه‌ای برای همه‌ی انسان‌هاست که حتی در سخت‌ترین لحظات زندگی دست از تلاش برندارند.

۴. خرماي تازه که به آن رطب گفته می‌شود، غذایی نیروبخش و حاوی مواد قندی ویتامین‌ها و کلسیم و فسفر است که موجب افزایش نیرو می‌شود و از عناصر استحکام‌بخش و تسکین‌دهنده است. از آیه‌ی فوق و احادیث اسلامی استفاده می‌شود (۱) که خرماي تازه برای زنان باردار و پس از زایمان غذایی مطلوب است.

۵. اگر مقصود از این آیات جوشیدن نهری به صورت معجزه‌آسا باشد، در آن صورت این امر خارق عادت بوده است که برای غیر پیامبران الهی هم چون مریم اتفاق می‌افتد و «کرامت» خوانده می‌شود؛ یا این که معجزات عیسی علیه السلام بوده که قبل از نبوت او تحقق یافته و پایه گذاری مقدماتی بوده و «ارهاص» خوانده می‌شود. (۲)

۶. در این آیات به مریم دستور داده شد نذر کند که روزه‌ی سکوت بگیرد، تا لازم نباشد با مردم سخن بگوید و در مورد تولد عیسی به آنان توضیح دهد و در آیات بعد خواهیم دید که حضرت عیسی علیه السلام پاسخ مردم را می‌دهد.

۷. روزه‌ی سکوت، در عصر مریم علیها السلام عبادتی شناخته شده بود و خدا هم او را به نذر روزه‌ی سکوت رهنمون شد و کسی هم بر مریم اشکال نکرد که چرا روزه‌ی سکوت گرفته است.

در اسلام روزه‌ی سکوت مشروع نیست و در احادیث آمده است که این گونه روزه حرام است. (۳) این به خاطر تفاوت شرایط زمانی و مکانی و عصرها و

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۳۶

مصلحت‌هاست که کامل‌ترین احکام را اسلام بیان کرده است.

البته یکی از آداب روزه در اسلام حفظ زبان در کنار خودداری از خوردن آب و غذاست که در احادیث به این مطلب سفارش شده است. (۱)

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. خدا وسایل آسایش بندگان پاکش را فراهم می‌سازد و لازم نیست آنان نگران دفاع از آبروی خود باشند.

۲. فرزند شریف سبب روشنی چشم و اندوه‌زدایی می‌شود.

۳. به وضعیت غذایی زنان پس از زایمان رسیدگی کنید و به آنان خرماي تازه و نوشیدنی بدهید.

۴. نذر روزه‌ی سکوت در ملت‌های پیشین جایز بوده است.

۵. هرگاه نمی‌توانید مطلب حقی را برای مردم توضیح دهید و توجیه کنید، سکوت نمایید و آن را به عهده‌ی خدا بگذارید.

\*\*\*

قرآن کریم در آیات بیست و هفتم و بیست و هشتم سوره‌ی مریم به تهمت‌ها و سرزنش‌های مردم نسبت به مریم علیها السلام اشاره

می‌کند و می‌فرماید:

۲۷ و ۲۸. فَاتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَمْرَيْمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا\* يَا حَتَّ هُرُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعِيًّا

و (مریم) در حالی که او را در آغوش گرفته بود، وی را نزد قومش آورد؛ گفتند: «ای مریم! بیقین چیزی شکفت (و زشت) آورده‌ای!» ای (همانند)

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۳۷

خواهر هارون (در پاکی)، پدرت مرد بدی نبود، و مادرت زن تجاوزکار (و آلوده) نبود!

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. از آن جا که مریم ازدواج نکرده بود و زنی پاک‌دامن و از خانواده‌ای پاک بود، مردم با دیدن کودکی در آغوش او تعجب کردند و برخی به شک افتادند و برخی نیز با عجله داوری کردند و پنداشتند که مریم منحرف شده است؛ از این رو زبان به سرزنش مریم گشودند و گفتند: تو کار عجیب و بدی انجام دادی.

۲. در این آیات بیان شده که مردم به سابقه‌ی خوب پدر و مادر مریم اشاره کردند. در حقیقت آنان می‌خواستند با یادآوری پدر و مادر پاک مریم، باز هم او را سرزنش کنند که چرا تو با وجود چنین خانواده‌ی پاکی، چنین کردی!؟

۳. در این آیه مریم با عنوان «خواهر هارون» خوانده شد، در حالی که میان هارون برادر موسی با مریم سال‌ها فاصله بود و این دو برادر و خواهر نبودند.

این بدان جهت بود که هارون مرد پاکی بود و پاکی او در میان بنی اسرائیل زبان زد و ضرب المثل شده بود به طوری که هر انسان پاکی را به نام «برادر هارون» یا «خواهر هارون» می‌خواندند؛ یعنی او را به این پیامبر صالح الهی نسبت می‌دادند. این مطلب در احادیث از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز روایت شده است. (۱)

۴. در مورد فرجام حضرت مریم علیها السلام دو نوع حکایت کرده‌اند: برخی نوشته‌اند او تا ۶۷ سال پس از عروج عیسی علیه السلام زندگی کرد ولی برخی محدثان بر آن‌اند که قبل از عروج عیسی علیه السلام مادرش وفات کرد و او مادر را غسل داد و دفن کرد. (۲)

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. مریم پاک، آماج تهمت‌ها و سرزنش‌های مردم (نادان) قرار گرفت (ولی خدا از او حمایت می‌کرد).

۲. از فرزندان پاکان انتظار می‌رود که هم‌چون پدران و مادرانشان پاک زندگی کنند.

\*\*\*

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۳۸

قرآن کریم در آیات بیست و نهم تا سی و سوم سوره‌ی مریم به سخنان عیسی در گهواره و صفات او اشاره کرده، می‌فرماید:

۲۹-۳۳. فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا\* قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ ءَاتَنِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا\* وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَنِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا\* وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا\* وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا

و (مریم) به سوی آن (عیسی اشاره کرد؛ گفتند: «چگونه با کسی که به صورت کودکی در گهواره است، سخن بگوییم؟!») عیسی گفت:

«براستی که من بنده خدایم؛ به من کتاب (انجیل) عطا کرده؛ و مرا پیامبر قرار داده است؛\* و هر جا که باشم مرا خجسته قرار داده؛ و تا هنگامی که زنده‌ام، مرا به نماز و زکات سفارش کرده است؛\* و نسبت به مادرم نیکوکار (قرار داده)؛ و مرا زورگوی بدبخت قرار



نداده است.\* و سلام (خدا) بر من باد، روزی که متولد شدم، و روزی که می‌میرم، و روزی که زنده برانگیخته خواهم شد!»  
نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. مریم از سرزنش و تهمت مردم نگران بود، از این رو خدا به او فرمان داد که به مردم بگوید که نذر روزه‌ی سکوت کرده است و اینک در این آیه بیان می‌کند که مریم پاسخ تهمت‌ها و سرزنش‌های مردم را با اشاره می‌داد؛ یعنی به سوی عیسی اشاره می‌کرد که در گهواره بود و می‌گفت از او پاسخ بخواهید.

۲. مردم نادان از برخورد مریم و اشاره‌ی او به کودک ناراحت شدند و گمان کردند که آنان را مسخره می‌کند؛ از این رو به او اعتراض کردند که ما چگونه از کودک در گهواره توضیح بخواهیم و با او سخن بگوییم.

۳. واژه‌ی «مَهْد» به معنای جایگاهی است که برای کودک آماده می‌کنند،

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۳۹

خواه گهواره باشد یا دامن مادر یا بستر؛ «۱» پس ممکن است مقصود در این جا کودکی باشد که در آغوش مریم بود. «۲»

۴. «جَبَّار» به کسی گفته می‌شود که برای خود حقوق فراوانی قایل است، اما برای دیگران حقی قائل نیست و نیز به کسی گفته می‌شود که از روی خشم افراد را می‌زند و نابود می‌کند.

آری جَبَّار کسی است که پیرو فرمان عقل نیست و می‌خواهد با ادعای عظمت و تکبر، کمبود و نقص خود را بر طرف سازد. «۳»  
۵. «شَقِی» به کسی گفته می‌شود که اسباب گرفتاری و بلا را برای خود فراهم می‌سازد و یا کسی که نصیحت دیگران را قبول نمی‌کند. البته این دو معنا از هم جدا نیست.

۶. در این آیات به یک دعای عیسی اشاره شده است. او به سه روز و سه مرحله‌ی اساسی و خطرناک زندگی انسان؛ یعنی روز تولد و روز مرگ و روز رستاخیز اشاره کرده و از خدا تقاضای سلامت و سلام نموده است. این مطلب در آیه‌ی پانزدهم همین سوره در مورد حضرت یحیی علیه السلام نیز بیان شد با این تفاوت که در آن جا خدا این سخن را فرمود و در این جا مسیح علیه السلام از خدا تقاضا می‌کند. «۴»

۷. در این آیات هفت صفت برای عیسی علیه السلام بیان شده که عبارت‌اند از:

بنده‌ی خدا، صاحب کتاب (انجیل یا شریعت)، دارای مقام نبوت، با برکت

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۴۰

و مفید به حال جامعه «۱» و نیکوکار نسبت به مادر است و جَبَّار و شَقِی نیست (یعنی فروتن و حق‌شناس و سعادتمند است).

۸. خدا دو برنامه به عیسی علیه السلام سفارش کرد: نماز و زکات. البته بیان این دو برنامه از میان برنامه‌های دین مسیح علیه السلام به خاطر اهمیت آنهاست که یکی رمز ارتباط با خالق و دیگری رمز ارتباط با خلق و امداد آنهاست.

البته اصل نماز و زکات در دین مسیحیت و اسلام وجود داشته اما خصوصیات آنها با هم متفاوت است.

۹. عیسی علیه السلام نسبت به مادرش نیکو کار بود و این نشان دهنده‌ی اهمیت مقام مادر است.

۱۰. از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود:

بهشت زیر گام‌های مادر است. «۲»

۱۱. عیسی از طفولیت سخن گفت و دلیلی بر محال بودن سخن گویی افراد در کودکی وجود ندارد، البته عیسی بر اثر عنایت الهی از کودکی سخنان معقول می‌گفت. «۳»

۱۲. عیسی فردی استثنایی بود. او پدر نداشت و در کودکی به صورت معجزه‌آسا سخن گفت و به مقام نبوت رسید؛ او وجود با برکت و نیکوکاری بود که متکبر و شقی نبود و شاید همین صفات برجسته‌ی و معجزه‌آسای او بود که سبب گمراهی برخی شد، به

طوری که او را خدا دانستند.

۱۳. مانعی ندارد که برخی افراد در کودکی به نبوت یا امامت برسند همان طور که در مورد عیسی و یحیی و برخی امامان شیعه اتفاق افتاد.

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۴۱

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. اگر خدا بخواهد به کودکی قدرت سخن گفتن و نبوت عنایت می‌کند.
۲. عیسی خدا نبود بلکه بنده‌ی خدا و پیامبر او بود (پس مسیحیان او را خدا نشمارند).
۳. نماز و زکات جزئی از دین مسیح است و سابقه‌ای چند هزار ساله دارد.
۴. انسان در سه روز تولد، مرگ و رستاخیز نیازمند سلام و سلامتی از جانب خداست.
۵. هم‌چون عیسی بنده‌ی خدا و نیکوکار و مبارک (و مفید برای مردم) باشید.

\*\*\*

قرآن کریم در آیات سی و چهارم و سی و پنجم سوره‌ی مریم به حقیقت بشری عیسی علیه السلام و دلیل فرزند نداشتن خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۳۴ و ۳۵. ذَلِكْ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ \* مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحٰنَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

این (سرگذشت) عیسی پسر مریم است، گفتار حقیقی که در آن تردید می‌کنند. \* هرگز برای خدا شایسته نیست که فرزندی بگیرد او منزّه است؛ هنگامی که چیزی را اراده کند، پس فقط به آن می‌گوید: «باش» پس (فوراً موجود) می‌شود.  
نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. در آیات پیشین تصویر روشنی از تولد عیسی علیه السلام و سخنان او و اعترافش به بندگی خدا و نبوت او بیان شد. در حقیقت قرآن با بیانی روشن هر گونه تهمت را از دامن مریم زدود و مطالب شرک‌آمیزی که در مورد خدا بودن عیسی می‌گفتند، نفی کرد.
۲. در این آیات نیز به همان مطالب حق پیشین اشاره می‌کند و بر فرزند خدا بودن عیسی علیه السلام خط بطلان می‌کشد؛ و از این رو عیسی علیه السلام را پسر

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۴۲

«مریم» می‌خواند تا روشن سازد که او فرزند خدا نیست.

۳. در این آیه به شک و تردید دیگران (دوستان و دشمنان) در مورد عیسی علیه السلام اشاره شده است؛ یعنی یهودیان که دشمنان مسیح بودند در پاکی مادر او، و مسیحیان که دوستان مسیح بودند در بشر بودن او تردید می‌کردند و او را فرزند خدا و یا یکی از سه خدای حقیقی می‌دانستند و قایل به تثلیث می‌شدند.

۴. خدا فرزند ندارد؛ زیرا:

اولاً، فرزند داشتن مستلزم جسم داشتن، محدودیت و نیازمندی است و خدا از این صفات و نقایص پاک و منزّه است. ثانیاً، نیاز به فرزند به خاطر برطرف کردن نیازهای عاطفی و کسب قدرت و نیرو و ادامه‌ی حیات در نسل بعد است، ولی خدا می‌تواند هر چیزی را در آنی بیافریند؛ پس او نیازی به نیروی جدید و نسل برای ادامه‌ی حیات ندارد چون ازلی و ابدی است و نیاز عاطفی نیز اصلاً در ذات پاکش راه ندارد.

۵. در این آیه بیان شده که هرگاه خدا بخواهد چیزی را به وجود آورد، با یک فرمان می‌گوید «باش!» و او به وجود می‌آید. برای

این کار تعبیری کوتاه‌تر از «کن» و نتیجه‌ای وسیع‌تر از «فیکون» به نظر نمی‌رسد. «فاء» در این آیه برای تفریع است؛ یعنی هنگامی که خدا فرمان وجود دهد، بلافاصله هر چه بخواهد به وجود می‌آید و فاصله‌ی زمانی در این جا وجود ندارد. «۱»

۶. هنگامی که جعفر بن ابی طالب از دست ستمکاری مشرکان در مکه با گروهی از مسلمانان به حبشه هجرت کرد و مشرکان دو نفر را برای بازگرداندن آنها نزد نجاشی پادشاه حبشه فرستادند، جعفر برای معرفی اسلام در برابر نجاشی، همین آیات اول سوره‌ی مریم را خواند و اشک شوق از

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۴۳

دیدگان نجاشی و بزرگان مسیحیت سرازیر شد و مسلمانان تا مدت‌ها در حبشه با آسایش زندگی کردند. «۱»  
آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. قرآن حقیقت را درباره‌ی عیسی بیان کرد که او فرزند (خدا نیست، بلکه فرزند) مریم است.

۲. فرزند داشتن مستلزم نقص و نیاز است و خدا به دور از این صفات است.

۳. قدرت خدا را محدود ندانید که خدا هر چه را بخواهد فوراً به وجود می‌آورد.

\*\*\*

قرآن کریم در آیه‌ی سی و ششم سوره‌ی مریم با تأکید بر توحید، راه مستقیم را معرفی می‌کند و می‌فرماید:

۳۶. وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

«و در حقیقت خدا پروردگار من و پروردگار شماست؛ پس او را پرستید؛ که این راهی راست است.»

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. مفسران در مورد این آیه دو احتمال داده‌اند: این که دنباله‌ی سخنان عیسی علیه السلام باشد که در چند آیه‌ی قبل بیان شد «۲» و یا این که سخن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله باشد که خدا به او فرمان داده که بگوید. «۳»  
البته این مطلب در نتیجه و مطالب آیه تأثیری ندارد.

۲. پروردگار بودن خدا و صفت ربوبیت او مستلزم پرستش و عبادت او است؛ یعنی به شکرانه‌ی این که خدا انسان را تربیت و هدایت می‌کند، لازم

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۴۴

است او را عبادت کنیم.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. توحید، راه مستقیم است و (هرگونه پرستش غیر او و یا تثلیث‌گرایی کژراهه است).

۲. خدا را بشناسید و پرستید و از مسیر او خارج نشوید.

\*\*\*

قرآن کریم در آیات سی و هفتم و سی و هشتم سوره‌ی مریم به اختلافات درونی مسیحیت و گمراهی آنان اشاره می‌کند و با هشدار به آنان می‌فرماید:

۳۷ و ۳۸. فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ \* أَشْجَعُ بِهِمْ وَأَبْصَرُ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

و [لی گروه‌هایی از میان آنان (مسیحیان) اختلاف کردند؛ پس وای به حال کسانی که کفر ورزیدند، از حضور روز بزرگی (رستاخیز)! روزی که نزد ما می‌آیند، چقدر شنوا و بینايند! لیکن ستمکاران امروز در گمراهی آشکاری هستند.

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. مسیحیان پس از عروج مسیح علیه السلام با هم دیگر اختلاف کردند.

گروهی گفتند: او خدا بود که بر زمین فرود آمده بود.

گروهی دیگر گفتند: او فرزند خدا بود. «۱»

و گروه دیگر گفتند: او بنده‌ی خدا و پیامبر او بود.

این اختلاف در نهایت به آن جا منتهی شد که امپراتور روم اسقف‌ها و بزرگان مسیحیت را در سال ۳۲۵ در شورای بزرگ نیکیه

جمع آورد و هر فرقه سخنان خود را گفتند و در نهایت با اکثریت نسبی، عقیده به تثلیث را

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۴۵

پذیرفتند «۱» و اعلامیه‌ای در این زمینه صادر شد که هنوز پایه و اساس ایمان مسیحیان است. «۲»

البته اختلافات مسیحیان باز هم ادامه یافت و به فرقه‌های کاتولیک، ارتدکس و پروتستان تقسیم شدند.

۲. مفسران قرآن در مورد واژه‌ی «الیوم» در این آیه دو احتمال داده‌اند:

الف) مقصود دنیا باشد، یعنی هم اکنون مشرکان ستمکار در گمراهی آشکارند.

ب) مقصود قیامت باشد؛ یعنی ستمکاران در قیامت بینا و شنوا می‌شوند اما به حالشان سودی ندارد، زیرا در گمراهی آشکار هستند.

البته تفسیر اول با ظاهر آیه سازگارتر است. «۳»

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. مسیحیان پس از عیسی علیه السلام گرفتار اختلافات شدند و راه شرک و کفر در پیش گرفتند و هم اکنون نیز در گمراهی به سر

می‌برند.

۲. کافران هنگام مشاهده‌ی روز قیامت بیدار می‌شوند، ولی آن زمان دیر است و سودی به حالشان ندارد.

۳. از اختلافات مسیحیان و فرجام آنان در رستاخیز درس عبرت بگیرید.

\*\*\*

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۴۶

## رستاخیز روز حسرت

قرآن کریم در آیات سی و نهم و چهلم سوره‌ی مریم بار دیگر به کافران ستمکار هشدار می‌دهد و می‌فرماید:

۳۹ و ۴۰. وَأَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ \* إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ

آنان را به روز حسرت هشدار ده، هنگامی که [همه چیز انجام شود؛ در حالی که آنان در غفلتند و آنان ایمان نمی‌آورند.\* در واقع

ما، زمین و هر کس که بر آن است را به ارث می‌بریم؛ و فقط به سوی ما باز گردانده می‌شوند.

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. «یوم الحسرة» (روز حسرت) یکی از نام‌های رستاخیز است و نیکوکاران و بدکاران هر دو در قیامت حسرت می‌خورند؛ نیکو

کاران تأسف می‌خورند که چرا اعمال نیک بیش‌تری انجام ندادند و بدکاران حسرت می‌خورند که چرا پرده‌ها کنار می‌رود و

حقایق بر همگان روشن می‌شود.

۲. مقصود از «پایان گرفتن کار» آن است که برنامه‌ی حساب‌رسی در رستاخیز پایان می‌گیرد و اهل بهشت در آن جا جاودان

می‌مانند و اهل دوزخ هم راهی جهنم می‌شوند. (۱)

۳. اموال شما جاودانی نیست و روزی آن را رها می‌کنید و وارث نهایی خداست که همه به سوی او باز گردانده می‌شوند. پس اگر این حقیقت را بدانید، باید به دنیا دل نبندید و از خواب غفلت و کفر بیدار شوید و ایمان آورید.

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۴۷

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. فرجام جهان به دست خداست.

۲. رستاخیز روز حسرت است.

۳. دنیا ناپایدار است و روز حسرت در پیش است؛ پس زودتر بیدار شوید و ایمان بیاورید.

\*\*\*

### سرگذشت ابراهیم (ع)

قرآن کریم در آیات چهل و یکم تا چهل و سوم سوره‌ی مریم به صفات ابراهیم و مبارزه‌ی او با بت پرستی عمویش اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۴۱-۴۳. وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرٰهِيْمَ اِنَّهٗ كَانَ صٰدِقًا نَبِيًّاۙ اِذْ قَالَ لِاٰبِيهٖ يٰاَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًاۗ يٰاَبَتِ اِنِّيۤ اَقْتَدٰٓى لِلَّذِيۤ اَتٰىنِيۤ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِيۤ اَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّاۙ

و در کتاب (قرآن) ابراهیم را یاد کن، که او بسیار راستگو و پیامبر بود. \* هنگامی که به پدر (مادرش یا عموی) ش گفت: «ای پدر [م]! چرا چیزی را می‌پرستی که نمی‌شنود، و نمی‌بیند، و هیچ چیزی را از تو دفع نمی‌کند؟! \* ای پدر [م]! براستی من از دانش (الهی) چیزی برایم آمده که برای تو نیامده است؛ پس مرا پیروی کن، تا تو را به راهی درست راه‌نمایی کنم. نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. «صدیق» صیغه‌ی مبالغه و به معنای کسی است که بسیار راست‌گوست و یا کسی که هرگز دروغ نمی‌گوید، بلکه توان دروغ گفتن ندارد، چون تمام عمر به راست‌گویی عادت کرده است و یا کسی که عملش تصدیق‌کننده‌ی سخن و اعتقاد اوست. (۱) البته مانعی ندارد که تمام این معانی مقصود آیه باشد، چون همه تقریباً به یک معنا باز می‌گردند.

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۴۸

۲. ابراهیم علیه السلام قبل از نبوت، صدیق بود. این امر اهمیت این صفت را می‌رساند و گویی صدیق بودن زمینه‌ساز شایستگی برای نبوت است.

۳. واژه‌ی «اب» در لغت عرب گاهی به معنای پدر و گاهی به معنای عمو آمده است. همان‌طور که در ذیل آیه‌ی ۷۴ سوره‌ی انعام بیان شد، در مواردی که ابراهیم با آزر بت‌ساز درگیر می‌شود و از او با عنوان پدر یاد می‌کند، مقصودش عمو یا پدر مادرش است.

۴. ابراهیم در این آیه برای نفی بت پرستی و شرک دلیل قاطع آورده است؛ یعنی به عمویش گفته است که هدف از پرستش، جلب منفعت و دفع ضرر است (۱) اما این بت‌ها نمی‌توانند مشکلی را حل و ضرری را دفع کنند، پس پرستش آنها بیهوده و لغو است.

علاوه بر آن، عبادت وقتی مفید است که معبود سخنان تو را بشنود یا عبادت تو را ببیند ولی بت‌ها چنین قدرتی ندارند.

۵. با آن که آزر عموی ابراهیم از او بزرگ‌تر بود اما ابراهیم علیه السلام به عمویش می‌گوید که از من پیروی کن، تا تو را به راه درست هدایت کنم و دلیلی که برای این مطلب می‌آورد، همان دلیل عام تقلید جاهل از عالم است. (۲)

یعنی می‌گوید من دانشی دارم که تو نداری، پس تو باید از من که دانشمند، متخصص و راه‌شناس هستم، پیروی کنی تا رهنمون شوی.

۶. ابراهیم علیه السلام دعوت خود را از خویشاوندان نزدیکش شروع می‌کند؛ همان‌گونه که خدا به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز چنین دستور داد؛ «۳» زیرا تربیت نزدیکان لازم‌تر و زمینه‌ساز هدایت دیگران است.

۷. با این که آزر عموی ابراهیم مردی مشرک و بت‌ساز و بت‌فروش و عامل

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۴۹

بزرگ فساد و بت‌پرستی بود، ابراهیم علیه السلام با او خشونت نکرد و از طریق منطق همراه با احترام با او سخن گفت تا در صورت امکان او را هدایت کند.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. رهبران الهی مثل پیامبران با خرافه‌ی بت‌پرستی مبارزه کنند.

۲. مبلغان دینی دعوت خویش را از خویشاوندان نزدیک شروع کنند.

۳. راستی و راست‌گویی از صفات پیامبر بزرگ الهی، ابراهیم علیه السلام بود (این صفات را از او بیاموزید).

۴. معبودان دروغین که شنوا و بینا نیستند و نمی‌توانند خطرها را از انسان دفع کنند شایسته‌ی پرستش نیستند.

۵. هر کس از دانشمندان الهی پیروی کند به راه درست رهنمون می‌شود.

\*\*\*

قرآن کریم در آیات چهل و چهارم و چهل و پنجم سوره‌ی مریم به پندهای ابراهیم علیه السلام به عمویش و هشدار او در مورد بت‌پرستی و شیطان‌پرستی اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۴۴ و ۴۵. يٰۤاِبْرٰهِيْمُ كُنْ لِلّٰهِ قٰنِيْنًا وَّ اٰتِى الْاِسْمَ الَّذِيْ رَدَدْنَا عَلٰىكَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ الَّذِيْ تَدْعُ اُمَّةً مِّنْ دُوْنِكَ لَا يَخْفٰى عَلٰىكَ سِرُّهُمْ وَّ اِنَّهُمْ لَشٰكِرُوْنَ

ای پدر [م! شیطان رامپرست؛ چراکه شیطان نسبت به (خدای) گسترده‌مهر، عصیانگر بود.\* ای پدر [م! در حقیقت من می‌ترسم که عذابی از (خدای) گسترده‌مهر به تو رسد، پس ملحق به شیطان شوی].

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. مقصود از «عبادت شیطان» در این آیه، همان پیروی از شیطان در مورد بت‌پرستی است که خود نوعی عبادت به شمار می‌آید.

۲. در احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند:

هر کس به سخن‌گویی گوش فرا دهد، او را پرستش کرده است؛ اگر

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۵۰

این سخن‌گو از سوی خدا سخن بگوید، پس خدا را پرستیده است و اگر از سوی ابلیس سخن بگوید، پس ابلیس را پرستیده است.

«۱»

۳. سخنان ابراهیم با عمویش بسیار جالب است؛ زیرا

- با خطاب محبت‌آمیز «ای پدر» او را می‌خواند.

- خود را دل‌سوز او معرفی می‌کند که عذاب او موجب ناراحتی ابراهیم است.

- تعبیر «عذابی از سوی خدای رحمان» آورده که نشان دهد تو به واسطه‌ی شرک و بت‌پرستی کاری کرده‌ای که حتی خدایی که رحمتش عام است، بر تو خشم می‌گیرد.

- به او هشدار می‌دهد که فرجام کار تو ولایت شیطان است؛ «۲»

یعنی تو در جهنم به شیطان ملحق می‌شوی. (۳)

۴. در قرآن کریم شانزده بار از «رحمان» یاد شده است که نام خاص خدا و نشان دهنده‌ی رحمت عام او بر همه‌ی موجودات است. سوره‌ی مریم با یاد رحمت خدا آغاز می‌شود و در این آیات نیز دو بار نام رحمان برده شد و این سوره با یاد رحمن پایان می‌گیرد. این مطلب نشان دهنده‌ی اهمیت نام «رحمان» در بین اسمای الهی است؛ همان طور که نشان می‌دهد این نام در بین ملت‌های پیشین شناخته شده بوده است.

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۵۱

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. شرک و بت پرستی، نوعی شیطان پرستی است.
۲. فرجام شرک، همراهی با شیطان و گرفتاری در عذاب الهی است.
۳. بت پرستی حتی خدای رحمت گستر را نیز به خشم می‌آورد.
۴. مواظب خطر شیطان باشید و از او پیروی نکنید که فرجامی عذاب آلود دارد.

\*\*\*

قرآن کریم در آیه‌ی چهل و ششم سوره‌ی مریم به پاسخ تهدیدآمیز عموی ابراهیم اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۴۶. قَالَ أَرَأَيْتُ أَنْتَ عَنْ ءَالِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ لِأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا

(آزر) گفت: «آیا تو از معبودهای من روی بر می‌تابی؟! ای ابراهیم، اگر (به این کار) پایان ندهی، حتماً تو را سنگسار می‌کنم؛ و برای مدتی طولانی از من دور شو!»

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. در آیات پیشین سخنان منطقی و دل سوزانه‌ی ابراهیم علیه السلام بیان شد و اکنون در این آیه به سخنان غیر منطقی آزر بت پرست و مشرک اشاره می‌کند که اولاً، حاضر نبود دلایل مخالفت با بت‌ها را بر زبان آورد و پاسخ دهد، تا مبادا به آنها جسارت شود.

ثانیاً، با تأکید ابراهیم را به سنگسار کردن تهدید کرد که یکی از بدترین انواع اعدام است. (۱)

و ثالثاً، ابراهیم را موجودی غیر قابل تحمل شمرد و گفت: برای مدت

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۵۲

طولانی از نظر من دور شو. این توهینی آشکار به ابراهیم علیه السلام بود.

۲. مشرکان مردمی خشن و زورگو هستند که تلاش می‌کنند با تهدید عقاید خود را بر دیگران تحمیل کنند و حتی روی گردانی دیگران را تحمل نمی‌کنند.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. مشرکان، مردمی غیر منطقی و خشن هستند.
۲. رهبران الهی و مبلغان دینی آماده‌ی برخورد‌های منفی مخالفان گمراه باشند.

\*\*\*

قرآن کریم در آیات چهل و هفتم و چهل و هشتم سوره‌ی مریم به پاسخ مسالمت‌آمیز ابراهیم و مبارزه‌ی منفی او اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۴۷ و ۴۸. قَالَ سَلِّمْ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا \* وَأَعْتَرُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ

## رَبِّي شَقِيًّا

(ابراهیم) گفت: «سلام بر تو باد، بزودی از پروردگام برای تو طلب آمرزش می‌کنم؛ چرا که او نسبت به من عنایت دارد؛\* و از شما، و آنچه غیر از خدا می‌خوانید، کناره‌گیری می‌کنم؛ و پروردگام را می‌خوانم؛ امید است که در خواندن پروردگام در (زحمت و) بدبختی نباشم.»

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. ابراهیم علیه السلام در پاسخ سخنان غیر منطقی و تهدیدآمیز عمومی بت پرستش، تسلط خویش را بر اعصابش حفظ کرد و با نرمی و بزرگواری پاسخی مسالمت‌آمیز به او داد و به ما آموخت که روش مردان الهی در برخورد با مخالفان این گونه است.

۲. ابراهیم در برابر سخنان خشونت‌آمیز آزر، مقابله به ضد نمود و به او سلام کرد و به وی وعده‌ی دعا و آمرزش داد.

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۵۳

۳. ابراهیم علیه السلام به عمویش آزر «سلام» داد. این سلام ممکن است سلام خداحافظی و یا سلامی باشد که به عنوان ترک دعوی در برابر جاهلان گفته می‌شود.

۴. ابراهیم به آزر وعده داد که برای او طلب آمرزش و استغفار می‌کند، در حالی که آزر ایمان نیاورد و طلب آمرزش برای کافران ممنوع است.

ما پاسخ این مطلب را ذیل آیه‌ی ۱۱۳ سوره‌ی توبه بیان کردیم.

۵. در این آیه به مبارزه‌ی منفی و ادب ابراهیم علیه السلام اشاره شده است؛ چون هنگامی که آزر از او خواست که دور شود، او با کمال ادب قبول کرد و کناره گرفت.

البته این مطلب قاطعیت ابراهیم را در عقیده‌اش به توحید نشان می‌دهد که حاضر است برای حفظ عقیده، دست به مبارزه‌ی منفی بزند و از جامعه‌ی مشرکان کناره‌گیری کند.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. پیامبران الهی مردانی صلح طلب و مهربان بودند.

۲. در برابر سخنان غیرمنطقی و خشونت‌آمیز جاهلان به آنان سلام بگویید.

۳. اگر گفتار شما در مشرکان مؤثر نیفتاد، با آنها و معبودهایشان مبارزه‌ی منفی کنید.

۴. خدا را بخوانید و از درگاه پروردگار ناامید نباشید.

\*\*\*

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۵۴

قرآن کریم در آیات چهل و نهم و پنجاهم سوره‌ی مریم به پاداش مبارزات ابراهیم علیه السلام اشاره کرده، می‌فرماید:

۴۹ و ۵۰. فَلَمَّا اعْتَرَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا\* وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيمًا

و هنگامی که از آنان و آنچه غیر از خدا می‌پرستیدند کناره‌گیری کرد، اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم؛ در حالی که هر یک را پیامبری قرار دادیم؛\* و از رحمت خود به آنان بخشیدیم؛ و برای آنان در زبان (جهانیان مقامی) راستین (و آوازه‌ای) بلند قرار دادیم.

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. خدا به ابراهیم علیه السلام پاداش مبارزاتش را داد و فرزندی هم‌چون اسحاق و نوه‌ای هم‌چون یعقوب به او عطا کرد که از پیامبران بزرگ الهی بودند.



این‌ها نتیجه‌ی استقامت ابراهیم در برابر بت‌ها و بت‌پرستان و کناره‌گیری از آیین باطل آنان بود.

۲. خدا از رحمت و ویژه‌ی خود به ابراهیم و نسل او عطا کرد.

۳. مقصود از «لِسَانِ صِدْقٍ» در این آیه همان یاد، خاطره و نام نیک و برجسته‌ای است که از انسان در جامعه می‌ماند.

این حُسن شهرت از سرمایه‌های معنوی است که گاهی برای بازماندگان از ثروت و ارث مادی بهتر است. (۱)

۴. در حدیثی از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمودند:

خاطره‌ی خوب و نام نیکی که خدا برای کسی در میان مردم قرار می‌دهد، از ثروت فراوانی که هم خودش بهره می‌گیرد و هم به ارث می‌گذارد، بهتر و برتر است. (۲)

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۵۵

۵. بر خلاف نظر بد خواهان، نام نیک و حُسن شهرت ابراهیم در ملت‌های بعدی باقی ماند و خدا خاطره‌ی ایثارها و فداکاری‌های او را بلند آوازه کرد و او را به عنوان الگو معرفی نمود و مخالفان او نتوانستند، او را به بوته‌ی فراموشی بسپارند. (۱)

۶. ابراهیم علیه السلام دو فرزند به نام اسماعیل و اسحاق داشت که از نسل هر دو پیامبران بزرگی پدید آمدند. در این آیه از اسحاق و فرزند او سخن به میان آمده است و در آیات بعد از اسماعیل یاد می‌شود.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. خدا مبارزات مردان الهی را بی‌پاداش نمی‌گذارد.

۲. پاداش مبارزات ابراهیم علیه السلام، دودمان پاک او بود که سرسلسله‌ی پیامبران بزرگ شدند.

۳. پاداش دیگر ابراهیم علیه السلام رحمت الهی و نام نیک او در میان آیندگان بود.

۴. به مبارزان راه توحید توجه کنید و پاداش زحمات آنان را بدهید.

\*\*\*

## سرگذشت موسی (ع)

قرآن کریم در آیات پنجاه و یکم تا پنجاه و سوم سوره‌ی مریم به ویژگی‌های موسی و هارون اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۵۱-۵۳. وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا \* وَنَدَيْنَاهُ مِنَ الْجَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا \* وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا

و در کتاب (قرآن) موسی را یاد کن، که او خالص شده بود و (نیز)

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۵۶

فرستاده‌ای والا [مقام بود.\* و او را از طرف راست (کوه) طور ندا دادیم، و رازگویان او را (به خود) نزدیک ساختیم.\* و از رحمت خود، برادرش هارون را، در حالی که پیامبر بود، به او بخشیدیم.

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. در آیات پیشین به پاداش مبارزات ابراهیم علیه السلام اشاره شد که یکی از آن مواهب فرزندان هم‌چون اسحاق و یعقوب بودند و این که در این آیات همان مطلب را تعقیب می‌کند و به موسی اشاره کرده که از دودمان ابراهیم و یکی از مواهب او به شمار می‌آید.

۲. «مُخْلَصًا» به معنای خالص شده است. این مقامی است که اگر کسی به آن برسد، نسبت به وسوسه‌های شیطانی بیمه می‌شود (۱) و

از خطر انحراف و آلودگی دور می‌گردد. شاید از این آیه بتوان عصمت موسی علیه السلام را استفاده کرد. البته رسیدن به مقام مخلصان جز در سایه‌ی جهاد با نفس و اطاعت مستمر از فرمان‌های الهی ممکن نیست.

۳. مفسران بین «رسول» (۲) و «نبی» (۳) تفاوت گذاشته‌اند و آن را چند گونه بیان کرده‌اند:

الف) رسول کسی است که از وحی الهی آگاه می‌شود و مأمور ابلاغ آن است، اما پیامبر کسی است که برای انجام وظیفه‌ی شخصی از وحی آگاه می‌شود و مأمور به ابلاغ نیست.

یعنی رسول هم چون پزشکی است که به دنبال بیماران می‌رود، اما

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۵۷

پیامبر پزشکی است «۱» که بیماران باید به سراغ او بروند.

ب) رسول کسی است که وحی الهی را در خواب می‌بیند و صدای فرشته را نیز می‌شنود و حتی فرشته را می‌بیند، اما پیامبر کسی است که تنها حقایق وحی الهی را در خواب می‌بیند یا در بیداری صدای فرشته را می‌شنود، اما او را مشاهده نمی‌کند. «۲»

البته این دو معنا با هم دیگر منافاتی ندارند و قابل جمع‌اند؛ یعنی ممکن است تفاوت مأموریت پیامبر و رسول با تفاوت در نحوه‌ی دریافت وحی آنان همراه باشد و این دو در یک‌دیگر مؤثر باشند. «۳»

۴. در این آیات به گفتمان خدا با موسی علیه السلام اشاره شده است. در شبی تاریک موسی با همسرش از بیابان‌های «مدین» به سوی مصر در حرکت بود و همسرش درد زایمان داشت و موسی به دنبال آوردن آتش رفت و ناگهان از دور نوری درخشید و ندایی برخاست و موسی را به رسالت منصوب کرد.

آری؛ این لحظه از افتخارات بزرگ موسی است که خدا با او سخن گفت.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. به یاد موسی و ویژگی‌های او باشید و از زندگی او درس بگیرید.

۲. موسی فردی با اخلاص و والا مقام بود که لیاقت سخن گفتن با خدا را یافت.

۳. برادر داشتن، موهبت و رحمتی الهی است.

\*\*\*

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۵۸

قرآن کریم در آیات پنجاه و چهارم و پنجاه و پنجم سوره‌ی مریم به ویژگی‌های اسماعیل اشاره کرده، می‌فرماید:

۵۴ و ۵۵. وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا\* وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا

و در کتاب (قرآن) اسماعیل را یاد کن، که او راست وعده بود و (نیز) فرستاده‌ای والا [مقام بود]\* و همواره خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد؛ و در نزد پروردگارش مورد رضایت بود.

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. ابراهیم علیه السلام چند فرزند داشت؛ یکی اسحاق که از نسل او یعقوب و موسی پدید آمدند و دیگری اسماعیل که از نسل او پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به وجود آمد. قرآن کریم در این آیات به هر دو شاخه از دودمان ابراهیم علیه السلام اشاره کرده است.

البته در برخی احادیث آمده است که مقصود از اسماعیل در این جا اسماعیل فرزند ابراهیم نیست؛ چرا که او قبل از پدر فوت کرد؛ پس منظور «اسماعیل بن حزقیل» است که پیامبری بود که خدا به سوی قومش فرستاد و او هم چون امام حسین علیه السلام شهید شد!

۲. در این آیات بر وعده‌های صادق اسماعیل و وفای به عهده او تکیه می‌کند، زیرا تا انسان «صادق» نباشد، محال است به مقام رسالت برسد؛ یعنی صداقت و راستی در وعده‌ها و خبرها از شرایط اساسی نبوت است. (۲)

۳. در احادیث روایت شده که اسماعیل را «صادق الوعد» خواندند؛ چون

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۵۹

کسی با او وعده کرده بود ولی سر وعده‌اش نیامده بود، اما اسماعیل تا یک سال چشم به راه او بود. (۱)  
(یعنی هر چند به برنامه‌ی زندگی خود ادامه می‌داد، اما همواره در انتظار تحقق وعده بود).

۴. در این آیات به پنج ویژگی اسماعیل علیه السلام اشاره شده است:

از جهت اجتماعی، با مردم صداقت در وعده داشت.

از جهت رسالت، فردی عالی مقام بود.

از جهت تربیت خانواده، او به پیوند خانواده‌اش با خالق و خلق توجه می‌کرد و به آنان دستور نماز و زکات می‌داد.

از جهت رابطه‌اش با خدا او موفق شده بود رضایت و خشنودی خدا را کسب کند؛ یعنی تمام برنامه‌های او مورد رضایت خدا بود و این از بزرگ‌ترین نعمت‌ها و افتخارات یک مؤمن است.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. زندگی اسماعیل و ویژگی‌های او را مطالعه کنید (و سرمشق زندگی خود قرار دهید).

۲. رابطه‌ی با مردم، بر اساس صداقت و امداد مالی و رابطه‌ی با خدا بر اساس جلب خشنودی او و نماز استوار باشد.

۳. به هدایت خانواده‌ی خود اهمیت دهید.

\*\*\*

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۶۰

قرآن کریم در آیات پنجاه و ششم و پنجاه و هفتم سوره‌ی مریم به ویژگی‌های ادریس پیامبر اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۵۷ و ۵۶. وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا \* وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا

و در کتاب (قرآن) ادریس را یاد کن، که او بسیار راستگو [و] پیامبر بود؛\* و او را به جایگاه والایی بالا بردیم.

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. مفسران برآنند که «ادریس» جد پدری نوح بوده و نام او از ماده‌ی «دَرس» گرفته شده است و گفته‌اند که او اولین کسی بود که با قلم خط نوشت و بر برخی از علوم و فنون، هم‌چون حساب، نجوم و خیاطی تسلط داشت.»

قرآن کریم دوبار با اشاراتی کوتاه به ادریس پیامبر اشاره کرده است. (۲)

۲. واژه‌ی «صِدِّیق» به معنای شخص بسیار راست‌گو و تصدیق‌کننده‌ی نشانه‌ها و آیات خداست؛ یعنی کسی که در برابر حق و حقیقت تسلیم است.

۳. مقصود از «بلندی مکان ادریس» همان عظمت مقام معنوی این پیامبر الهی است؛ البته برخی مفسران برآنند که این تعبیر به عروج ادریس به آسمان اشاره دارد همان‌طور که در مورد مسیح علیه السلام اتفاق افتاد (۳).

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. از صداقت ادریس پیامبر درس آموزید تا بلندمرتبه شوید.

۲. سرگذشت پیامبران الهی را در کتاب‌ها حکایت کنید (و مطالعه نمایید).

\*\*\*

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۶۱

قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و هشتم سوره‌ی مریم به پیامبران راستین الهی و نعمت‌های خدا بر آنان و واکنش عاطفی آنها در برابر آیات الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۵۸. أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِن ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِن ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا

آنان کسانی هستند که خدا به ایشان نعمت داده است، در حالی که از پیامبران از نسل آدم، و از کسانی که با نوح (بر کشتی) سوار کردیم، و از نسل ابراهیم و اسرائیل (یعقوب)، و از کسانی که راه‌نمایی کردیم و برگزیدیم (بودند). هنگامی که آیات (خدا) گسترده‌مهر بر آنان خوانده می‌شد، سجده‌کنان و گریان (به زمین) در می‌افتادند.  
نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. مفسران بر آن‌اند که مقصود از «نسل آدم» در این آیه همان ادریس پیامبر است که در آیات پیشین از او یاد شد؛ زیرا او جد پدری نوح بود؛ و مقصود از «دودمان نوح» همان ابراهیم علیه السلام است؛ زیرا او از نوادگان نوح بود. و منظور از «نسل ابراهیم» همان اسماعیل و اسحاق و یعقوب هستند و مقصود از دودمان اسرائیل (یا یعقوب) همان موسی، هارون، زکریا، یحیی و عیسی هستند که در آیات پیشین از آنان یاد شد. «۱»  
۲. مقصود از هدایت یافتگان و برگزیدگانی که با شنیدن آیات الهی سجده می‌کنند و سیلاب اشکشان جاری می‌شود، یا همان پیامبرانی است که در این آیه از آنان یاد شد و یا اعم از آنان است که شامل غیر پیامبران نیز می‌شود.  
البته تفسیر دوم با ظاهر آیه سازگارتر است «۲» و در احادیث نیز بدان اشاره شده است.

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۶۲

۳. در حدیثی از امام سجاد علیه السلام روایت شده که فرمودند: «مقصود از این آیه ما هستیم.» «۱»  
البته مقصود این گونه احادیث بیان مصداق‌های روشن آیه است و این به معنای انحصار معنای آیه نیست.  
آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. نبوت نعمتی الهی است که خدا به بندگان خاصش عطا می‌کند.  
۲. در برابر آیات خدا واکنش مثبت نشان دهید و عاطفی و فروتن باشید.

\*\*\*

### جانشینان نامناسب

قرآن کریم در آیات پنجاه و نهم و شصتم سوره‌ی مریم به جانشینان ناشایست پیامبران و توبه‌پیشگان اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۵۹ و ۶۰. فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا \* إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا

و بعد از آنان، فرزندان (ناشایستی) جانشین شدند که نماز را تباه کردند، و از شهوات پیروی نمودند؛ و در آینده (عذاب) گمراهی (خود) را ملاقات خواهند کرد؛\* مگر کسانی که توبه کنند، و ایمان آورند، و [کار] شایسته انجام دهند؛ پس اینان داخل بهشت می‌شوند، و هیچ ستمی بر آنان نخواهد شد.

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. در این آیات به دو گروه از فرزندان و جانشینان پیامبران اشاره شده است.

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۶۳

گروه اول فرزندان ناشایستی هستند که در گمراهی گام نهادند و خدا را فراموش کردند و پیروی از شهوات را بر نماز ترجیح دادند و سرانجام مجازات شدند.

و گروه دوم کسانی هستند که بعد از کج‌روی توبه کردند و کارهای شایسته انجام دادند و سرانجام وارد بهشت می‌شوند.

۲. «خَلْف» به معنای فرزندان ناصالح و ناخلف، و «خَلْف» به معنای فرزند صالح است. در این جا تعبیر اول آمده است. برخی از مفسران گفته‌اند که این تعبیر اشاره به گروهی از بنی اسرائیل است که فرزندان و جانشینان ناشایست پیامبران بودند، «۱» اما به نظر می‌رسد که معنای آیه عام است و شامل همه‌ی جانشینان و فرزندان ناشایست پیامبران و برگزیدگان الهی می‌شود.

۳. در برخی احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که با اشاره به آیه‌ی فوق فرمودند: منظور کسانی هستند که شصت سال روی کار می‌آیند و نماز را ضایع می‌کنند و در شهوات غوطه‌ور می‌شوند و به زودی نتیجه‌ی کار خود را خواهند دید و بعد از آنان گروه دیگری روی کار می‌آیند که قرآن را با آب و تاب می‌خوانند ولی از شانه‌های آنان بالاتر نمی‌رود. «۲» همان طور که می‌دانیم، پس از شصت سال یزید روی کار آمد و پس از او هم دوران بنی عباس شروع شد.

۴. مقصود از «ضایع کردن نماز» تأخیر آن از اول وقت است- همان طور که در برخی احادیث از اهل بیت علیهم السلام روایت شده است «۳»- و یا انجام کارهایی است که نماز را در جامعه ضایع می‌سازد و یا مقصود ترک نماز است. البته مانعی ندارد که مقصود آیه همه‌ی این موارد باشد.

۵. در این آیه از میان تمام گناهانی که افراد ناشایست انجام می‌دهند، به ضایع کردن نماز اشاره شده است؛ زیرا نماز سدّی در میان انسان و گناهان ایجاد می‌کند که اگر شکسته شود، انسان در شهوات غوطه‌ور می‌شود؛ یعنی

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۶۴

انحراف آنان از دوری یاد خدا و نماز آغاز می‌شود.

۶. خدا در این آیات راه توبه و بازگشت را بر روی گناهکاران باز کرده و از ناامیدی آنان جلوگیری نموده است و حتی به توبه‌پیشگان نیکوکار وعده‌ی بهشت داده است.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. بعد از پیامبران، دو خط شهوت‌پرستی و شایسته‌کاری در بین جانشینان و فرزندان آنان ادامه یافت.

۲. جانشینان ناخلف نماز را ضایع می‌کنند و به دنبال شهوات می‌روند.

۳. بهشت پاداش جانشینان و فرزندان شایسته‌ی پیامبران است.

۴. به خاطر سوء سابقه‌ی توبه‌پیشگان شایسته‌کردار، به آنان ستم نکنید.

\*\*\*

قرآن کریم در آیات شصت و یکم تا شصت و سوم سوره‌ی مریم به بهشت پارسایان و ویژگی‌های آن اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۶۱-۶۳. جَنَّتِ عَدْنِ النَّبِيِّ وَعَدَّ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًا \* لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لُعَاؤًا إِلَّا سَلْمًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةٌ وَعِشْيًا \* تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا

بوستانهای (ویژه بهشت) ماندگار، که (خدای) گسترده‌مهر به بندگانش نادیده و ناپیدا وعده داده است، چرا که حتماً وعده او انجام شدنی است.

\* در آن جا هیچ (سخن) بی‌هوده‌ای نمی‌شنوند؛ (و گفتارشان) جز سلام (نیست). و در آن جا صبحگاهان و عصرگاهان، «روزی» آنان، برایشان (آماده) است. \* این بهشتی است که به هر کس از بندگان ما که خودنگه‌دار (و پارسا) باشد، به ارث می‌دهیم.

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۶۵

شأن نزول:

داستان نزول آیه‌ی شصت و سوم سوره‌ی مریم را این گونه حکایت کرده‌اند که یکی از مشرکان به نام «عاص بن وائل» مزد کارگر خود را (که گویا مسلمان بوده) پرداخت و به طعنه گفت: اگر آنچه محمد می‌گوید حق باشد، ما از هر کس به نعمت‌های بهشت سزاوارتریم و در آن جا مزد این کارگر را می‌پردازیم. آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و بیان کرد که بهشت مخصوص پارسایان تقواییست. «۱»

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. «جَنّات» جمع است، یعنی بهشت متشکل از بوستان‌های متعدد و پرنعمت ماندگار.
۲. «عِدْن» در لغت به معنای اقامت است و در این جا اشاره به ماندگاری و جاودانگی است؛ یعنی نعمت‌های بوستان‌های بهشتی هم چون باغ‌های این جهان نیست که زوال‌پذیرند.
۳. مقصود از واژه‌ی «بِالْغَيْب» یا آن است که بهشت از دیدگان بندگان خدا پنهان و پوشیده است در حالی که به آن ایمان دارند و یا آن است که نعمت‌های الهی چنان است که هیچ چشمی ندیده است و به کلی از حسّ و درک ما پوشیده است؛ یعنی ما فوق این جهان مادی است. «۲»
۴. در بهشت هیچ سخن بیهوده‌ای هم چون دروغ، دشنام و تهمت شنیده نمی‌شود.
۵. در بهشت تنها ندای «سلام» به گوش می‌رسد. سلام به معنای وسیع آن که شامل سلامت روح، فکر، زبان و رفتار بهشتیان می‌شود؛ یعنی محیط بهشت سالم و با صلح و صفاست.
۶. شاید مقصود از روزی صبح و شام که برای بهشتیان می‌رسد، همان تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۶۶
- هدایای ویژه‌ای باشد که در برخی اوقات به آنان می‌رسد؛ و گرنه بهشتیان در هر زمان که اراده کنند روزی‌های نیکو در اختیار دارند. «۱»
۷. در جهان دیگر خورشید وجود ندارد تا شب و روز پدید آید، اما از برخی احادیث استفاده می‌شود که بهشتیان از کم و زیاد شدن نور، شب و روز را تشخیص می‌دهند.
۸. ممکن است از این آیات استفاده شود که سیر تکاملی انسان در پرتو اعتقادات و اعمالی که انجام داده است در بهشت ادامه دارد؛ چراکه هر صبح و شام روزی‌های تازه و مواهب الهی به آنها می‌رسد. «۲»
۹. «ارث» در اصل به معنای «مالک کردن» آمده است و منحصر به انتقال ملک از مردگان به زندگان نیست؛ پس مقصود از ارث دادن بهشت به پارسایان آن است که خدا بهشت را به پارسایان می‌بخشد. «۳»
۱۰. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که «هر کس منزلگاهی در بهشت و منزلگاهی در دوزخ دارد. کافران منزلگاه دوزخی بهشتیان را و مؤمنان جایگاه بهشتی کافران را به ارث می‌برند». «۴»

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. وعده‌های الهی در مورد بهشت جاودان حتمی است.
۲. برخلاف دنیا که محل نزاع و کشمکش است، در بهشت سلامتی و صفا حاکم است.
۳. اگر بهشت می‌خواهید پارسا شوید که بهشت از آن پارسایان است.

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۶۷

قرآن کریم در آیات شصت و چهارم و شصت و پنجم سوره‌ی مریم به سخنان پیک وحی (جبرئیل) و سفارش‌های او به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۶۴ و ۶۵. وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا \* رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا

و (جبرئیل گفت:) جز به فرمان پروردگارت، فرود نمی‌آیم؛ آنچه پیش روی ما، و آنچه پشت سر ما، و آنچه میان این دو می‌باشد، فقط از آن اوست؛ و پروردگارت فراموشکار نیست.\* (همان) پروردگار آسمان‌ها و زمین، و آنچه میان آن دوست. پس او را پرست، و در پرستش او شکیبایی ورز. آیا برای او همانم (و همانندی) می‌شناسی؟!  
شأن نزول:

این گونه روایت شده که چند روزی نزول وحی قطع شد و وقتی جبرئیل آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله علت تأخیر چند روزه‌ی وحی را جویا شد؟

جبرئیل گفت: من بنده‌ای مأمورم و طبق دستوراتی که به من داده می‌شود می‌آیم یا نمی‌آیم. «۱»  
آیات فوق اشاره‌ای به این ماجرا و پاسخ جبرئیل است.  
نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. در این آیات تأکید شده که همه چیز در حال و آینده و گذشته، و دنیا و آخرت متعلق به پروردگار است و فرشتگان الهی تنها به فرمان او فرود می‌آیند.

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۶۸

۲. «سَمِيًّا» به معنای «هم‌نام» است، ولی در این جا، تنها نام مقصود نیست، بلکه محتوای نام منظور است؛ یعنی آیا کسی غیر از خدا را، رازق، زنده کننده، توانا و دانای مطلق و کامل پیدا می‌کنی، تا او را پرستش کنی؟! «۱»  
آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. فرشتگان تنها تحت فرمان خدا عمل می‌کنند و بس.

۲. تنها خدای بی‌همانند شایسته‌ی پرستش است.

۳. در عبادت شکیبیا باش.

\*\*\*

قرآن کریم در آیات شصت و ششم و شصت و هفتم سوره‌ی مریم به یک پرسش و پاسخ در مورد معاد اشاره می‌کند و می‌فرماید:  
۶۶ و ۶۷. وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أَعَدَّا مَا مِثُّ لَسُوفَ أَخْرَجُ حَيًّا \* أَوْ لَا يَذُكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا  
و انسان می‌گوید: «آیا هنگامی که بمیرم، برآستی در آینده (از قبر) زنده بیرون آورده می‌شوم؟!» \* و آیا انسان به یاد نمی‌آورد که ما پیش از این، او را آفریدیم در حالی که هیچ چیزی نبود؟!  
شأن نزول:

روایت شده که یک نفر از مشرکان قطعه‌ی استخوان پوسیده‌ای را در دست گرفته بود و آن را با دست خود نرم می‌کرد و بر باد می‌داد و می‌گفت:

محمد را بنگرید که گمان می‌کند خدا ما را بعد از مردن و پوسیده شدن، بار دیگر زنده می‌کند؛ چنین چیزی ممکن نیست. «۲»

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۶۹

این آیات در پاسخ به او فرود آمد و به آنان یادآور شد که خدا قبلاً شما را از هیچ آفرید.

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. در این آیه شبهه‌ی معاد را از زبان یک «انسان» مطرح می‌کند، که ممکن است اشاره به این باشد که هر انسانی به صورت طبیعی با این پرسش روبه‌روست که چگونه من بعد از مرگ دوباره زنده می‌شوم؟

و یا آن است که هر انسان با هوشی نباید انسانیت و آفرینش خود را فراموش کند «۱» و با طرح چنین پرسشی فوراً جواب آن را بگوید. «۲»

۲. منطق قرآن کریم در برابر منکران معاد آن است که خدایی که شما را از عدم آفرید توانایی دارد که دوباره شما را بازیابی و بازسازی کند و ذرات وجود شما را جمع نماید و در رستاخیز دوباره زنده سازد.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. کسانی که درباره‌ی معاد شبهه‌افکنی می‌کنند، به آفرینش اولیه‌ی خود توجه کنند (تا شبهات حل شود).

۲. آفرینش نخست مشکل‌تر بود؛ از این رو دلیل امکان بازآفرینی و رستاخیز انسان است.

\*\*\*

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۷۰

قرآن کریم در آیات شصت و هشتم تا هفتادم سوره‌ی مریم به منکران معاد شدیداً هشدار می‌دهد و با یادآوری عذاب سخت جهنم می‌فرماید:

۶۸- ۷۰. فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنَنْحَضَنَّ عَنْهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا \* ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا \* ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا

و سوگند به پروردگارت که حتماً آنان و شیطان‌ها را گردآوری می‌کنیم؛ سپس قطعاً آنان را، از پای درآمده، گرداگرد جهنم حاضر می‌سازیم! \* سپس از هر گروهی، هر کدام را که بر (خدای) گسترده‌مهر سرکش‌تر بوده‌اند، حتماً جدا می‌کنیم. \* سپس ما حتماً داناییم، به کسانی که آنان برای ورود به آن (جهنم) سزاوارترند.

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. «جِثِيًّا» در اصل به معنای کسی است که بر سر زانو نشسته است و در این جا شاید اشاره به ضعف و ناتوانی و ذلت کافران باشد، به طوری که گویی قدرت ندارند بر سر پا بایستند. «۱»

۲. منکران معاد همراه با شیطان‌ها در قیامت گردآوری می‌شوند؛ زیرا آنان پیرو شیطان‌ها بودند و تحت تأثیر و سوسه‌های آنها قرار می‌گرفتند و یا این شیطان‌ها معبود آنان بودند.

۳. برخی از گروه‌ها منکران معاد و کافران هستند که رحمت خدای رحمان را فراموش و در برابر او گستاخی و سرکشی می‌کنند. این گروه‌ها از همه به آتش دوزخ سزاوارترند.

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۷۱

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. کافران منکر معاد بدانند که سرنوشت عذاب آلودی در انتظار آنهاست.

۲. شیطان صفتان با شیطان‌ها در اطراف جهنم گردهم می‌آیند (پس مواظب باشید).

۳. خدا گروه‌های سرکش کافران را جدا می‌کند تا به صورت ویژه به حساب آنان رسیدگی کند (پس مراقب باشید).

۴. از فرجام سخت و عذاب آلود منکران معاد درس عبرت بگیرید (و راه آنان را نپوید).



\*\*\*

**همگان وارد دوزخ می‌شوند، چرا؟**

قرآن کریم در آیات هفتاد و یکم و هفتاد و دوم سوره‌ی مریم به ورود همگان در دوزخ و نجات پارسایان اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۷۱ و ۷۲. وَإِن مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا \* ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا

و هیچ (کس) از شما (کافران) نیست مگر این که در آن (جهنم) وارد می‌شود؛ (این حکم) حتمی است که برای پروردگارت پایان یافته است؛ \* سپس کسانی را که خودنگه‌داری (و پارسایی) کردند نجات می‌بخشیم، و ستمکاران را، از پای در آمده، در آن (دوزخ) وا می‌گذاریم.

نکته‌ها و اشاره‌ها:

در این آیه بیان شده که «کسی از شما نیست مگر این که وارد جهنم می‌شود». مفسران قرآن در مورد این جمله چند تفسیر ارائه کرده‌اند:

الف) اکثر مفسران بر آن‌اند که مقصود وارد شدن افراد در دوزخ است و برخی مفسران معاصر بر آن‌اند که آیه خطاب به کافران است؛ «۱» چون افراد

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۷۲

مؤمن حتی صدای دوزخ را نمی‌شنوند. «۱»

پس کافران با پروا در نهایت نجات می‌یابند؛ «۲» یعنی کافرانی که اهل ظلم و بدکاری نبوده و زندگی سالمی داشته‌اند. (م) ب) برخی دیگر از مفسران بر آن‌اند که مقصود از «ورود» در این جا نزدیک شدن و اشراف بر جهنم است؛ یعنی همگان به کنار دوزخ می‌آیند، ولی پارسایان نجات می‌یابند و ستمکاران در جهنم سقوط می‌کنند. «۳»

ج) برخی نیز بر آن‌اند که مقصود آن است که واقعاً همه‌ی مردم داخل جهنم می‌شوند، اما جهنم بر پارسایان سرد و سالم می‌شود اما ستمکاران گرفتار آتش سوزان می‌شوند، «۴» همان طور که در برخی احادیث به این مطلب اشاره شده است «۵».

البته ظاهر آیه هم با همین تفسیر دوم سازگار است؛ چون اصل کلمه‌ی «ورود» به معنای دخول است، مگر آن که قرینه‌ای بر خلاف آن باشد.

و برخی دیگر بر آن‌اند که ستمکاران وارد جهنم می‌شوند تا عذاب گردند و با دیدن عبور سریع مؤمنان بیش تر ناراحت می‌شوند، اما مؤمنان وارد آن می‌شوند تا عذاب‌های کافران را ببینند و قدر نعمت‌های بهشت را بدانند.

البته مؤمنان چنان سریع از آتش می‌گذرند که کم‌ترین ضرری برای آنان ندارد «۶».

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۷۳

۳. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که «هیچ نیکوکار و بدکاری نیست، مگر آن که داخل جهنم می‌شود و آتش برای مؤمنان سرد و سالم می‌شود، همان طور که بر ابراهیم علیه السلام شده بود.»

و در حدیث دیگری از ایشان روایت شده که «مردم همگی وارد آتش می‌شوند، سپس بر اساس اعمالشان از آن بیرون می‌آیند؛ برخی هم چون برق و برخی هم چون گذشتن باد و برخی هم چون دویدن اسب و برخی هم چون سوار معمولی و برخی هم چون پیاده‌ی تندرو و برخی هم چون زهرو معمولی از آن می‌گذرند.» «۱»

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. شما هم داخل جهنم می‌شوید و بر اساس اعمالتان، یا در آن می‌مانید و یا از آن عبور می‌کنید.
۲. ستمکاران توان و وسیله‌ی عبور از دوزخ را ندارند.
۳. پارسایی پیشه سازید تا از دوزخ نجات یابید.

\*\*\*

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۷۴

قرآن کریم در آیات هفتاد و سوم و هفتاد و چهارم سوره‌ی مریم به فخرفروشی کافران اشاره می‌کند و به آنان پاسخ می‌دهد و می‌فرماید:

۷۳ و ۷۴. وَإِذَا تَنَالَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا \* وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَوْمٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثْنًا وَرِءِيًّا

و هنگامی که آیات ما، در حالی که روشن است، بر آنان خوانده می‌شود، کسانی که کفر ورزیدند، به کسانی که ایمان آوردند، می‌گویند: «کدام یک از (ما) دو دسته جایگاهش بهتر، و (بخشش و) محفلش نیکوتر است؟!» \* و چه بسیار گروه‌هایی را پیش از آنان هلاک کردیم که آنان از نظر اثاث و ظاهر نیکوتر بودند.

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. بسیاری از پیروان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مستضعفان پاک‌دلی بودند که دستشان از ثروت دنیا کوتاه بود ولی در مقابل، بسیاری از کافران و مشرکان از ثروتمندان بودند، و نسبت به مؤمنان تهی دست، فخرفروشی می‌کردند؛ زیرا زر و زیور را نشانه‌ی شخصیت و حقایق خویشتن می‌دانستند و حتی روایت شده که برخی اشراف لباس‌های زیبا می‌پوشیدند و در برابر یاران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله راه می‌رفتند و نگاه تمسخرآمیز به آنان می‌کردند «۱».

۲. واژه «ندی» در اصل به معنای رطوبت است و به معنای مجالست و سخن گفتن و مجالس انس و سخاوت نیز به کار می‌رود. «۲» این واژه در این آیه ممکن است به همه‌ی این معانی باشد؛ یعنی اشراف کافرکیش به مؤمنان فقیر می‌گفتند: کدام یک از ما مجالس انس او زیباتر و سخنان و اشعارش فصیح‌تر و بخشش او بیش‌تر است؟

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۷۵

۳. آیه در جواب فخر فروشان می‌گوید: بسیاری از ملت‌های عصرهای پیشین «۱» با لباس‌های فاخر و ظاهری آراسته‌تر از شما بودند، اما این جلوه‌ها نتوانست جلوی عذاب الهی را بگیرد و طومار زندگی آنان درهم کوبیده شد.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. کافران در برابر آیات الهی و مؤمنان تهی دست، فخرفروشی می‌کنند.

۲. به خاطر ظاهر و جلوه‌های دنیا فخرفروشی نکنید، که نابودشدنی است.

\*\*\*

قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و پنجم سوره‌ی مریم به قانون الهی مهلت دادن به گمراهان و فرجام عذاب آلود آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۷۵. قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مِدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مِآ يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعِيَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا

(ای پیامبر) بگو: «هر کس که (در اثر انتخاب خود) در گمراهی باشد، پس باید (خدای رحمان) گسترده‌مهر (بر اساس خواست

لجاجت آمیزش) کاملاً به او کمک (و مهلت) دهد، تا هنگامی که آنچه را وعده داده شده‌اند، یا عذاب و یا ساعت (رستاخیز) را، ببینند؛ پس بزودی خواهند دانست چه کسی جایگاهش بدتر، و لشکر [ش ناتوان تر است]! نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. در این آیه به قانون «استدراج» اشاره شده است؛

یعنی خدا به کسانی که بر گمراهی و کج روی اصرار می‌ورزند، مهلت می‌دهد و نعمت‌های زیادی در اختیارشان می‌گذارد، تا مایه‌ی غرور و غفلت آنها گردد و به عذابی تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۷۶ سخت‌تر گرفتار شوند.

۲. در این آیه از «عذاب و ساعت» سخن گفته شده است، که از قرینه‌ی مقابله‌ی آن دو متوجه می‌شویم که مقصود از عذاب مجازات‌های دنیوی هم‌چون عذاب‌های قوم نوح و لوط است و مقصود از «ساعه» پایان دنیا و عذاب‌های اخروی است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. سرنوشت عذاب‌آلودی در دنیا و آخرت در انتظار گمراهان است.

۲. خدا به گمراهان مهلت می‌دهد، ولی این مهلت به ضرر آنهاست.

۳. از سرنوشت عذاب‌آلود گمراهان درس عبرت بگیرید.

\*\*\*

قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و ششم سوره‌ی مریم به افزودن هدایت ره‌یافتگان و فرجام نیکوی کارهای شایسته اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۷۶. وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَقِيَّةُ الصَّالِحَةُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا

و خدا بر هدایت کسانی که ره‌یافته‌اند، می‌افزاید؛ و (کارهای) ماندگار شایسته در نزد پروردگارت پاداشی بهتر و فرجامی نیکوتر دارد.

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. در این آیه به ازدیاد هدایت ره‌یافتگان اشاره شده است. از این مطلب استفاده می‌شود که هدایت درجات و مراحل دارد و وقتی انسان مراتب نخستین آن را طی کند، خدا او را به درجات عالی‌تر رهنمون می‌شود و

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۷۷

ره‌یافتگان نیز در پرتو ایمان و اعمال شایسته هر روز مرحله‌ی تازه‌ای از رشد و تکامل را می‌پیمایند.

۲. کارهای شایسته‌ی ماندگار، مثل گفتار نیکو، کردار نیکو و افکار بلند و فرزندان و نتایج نیکویی که انسان به یادگار می‌گذارد، «۱» به صورت صدقه‌ی جاریه است و پاداش آن به انسان می‌رسد و او را به فرجام نیکوی بهشتی رهنمون می‌شود. «۲»

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. هدایت درجات و مراتبی دارد (پس مراتب عالی آن را طلب کنید).

۲. حساب ذخیره‌ی کارهای شایسته در نزد خدا داشته باشید، که بهره و فرجام بهتری دارد.

\*\*\*

قرآن کریم در آیات هفتاد و هفتم تا هشتادم سوره‌ی مریم به انگیزه‌ی خیالی کافران در کفرورزی و فرجام عذاب‌آلود و تنهایی آنان در رستاخیز اشاره کرده، می‌فرماید:

۷۷- ۸۰. أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا \* أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمْ أَتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا \* كَلَّا سَيَنكُتُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا \* وَنَرِيهِ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا

و آیا ملاحظه کردی کسی را که به آیات ما کفر ورزید، و گفت: «حتماً مال و فرزند (فراوان) به من داده خواهد شد؟! \* آیا از پنهان (جهان) اطلاع یافته، یا از جانب (خدای) گسترده‌مهر، پیمانی گرفته است؟! \* هرگز چنین نیست، بزودی آنچه را می‌گویند، می‌نویسیم و (بر اساس خود است

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۷۸

لجاجت‌آمیز و کردار گناه آلودش) به عذاب او کاملاً کمک می‌کنیم (و پی در پی می‌افزاییم). \* و آنچه را (از اموال و فرزندان) می‌گویند، از او به ارث می‌بریم، و به تنهایی نزد ما خواهد آمد.  
نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. این آیه اشاره به خیالات و خرافات موهوم‌پرستانی دارد که می‌پندارند اگر دست از ایمان و پاکی بردارند و آیات الهی را انکار کنند، دنیا به آنان روی خواهد کرد و اموال و فرزندانشان زیاد خواهد شد. «۱»

این خرافات بر اثر ساده‌لوحی و یا برای فرار از مسئولیت‌های الهی است؛ چون ایمان و پاکی مانع فعالیت‌های مشروع و کسب درآمد حلال و پیدا کردن فرزندان نمی‌شود، بلکه اسلام مردم را تشویق به ازدواج و کار حلال می‌کند.

۲. این خرافات اساس علمی ندارد؛ زیرا موهوم‌پرستان از غیب اطلاع ندارند تا ادعا کنند که می‌دانند هر کس از دین رو برمی‌تابد ثروتمند می‌شود و نیز خدا چنین قانونی نگذاشته و تعهدی نکرده است؛ پس سخن آنان خیالی بی‌دلیل است.

۳. جمله‌ی «عذابی مستمر برای کافران در نظر گرفته شده است.»، ممکن است اشاره به عذاب جاویدان آخرت باشد و یا عذاب‌هایی باشد که در اثر کفر در این دنیا دامن‌گیر آنان می‌شود.

البته همان ثروت و فرزندان که مایه‌ی غرور و غفلت کافران می‌شود، خود نوعی عذاب است.

۴. سخنان خرافی کافران در پرونده‌ی اعمالشان ثبت می‌شود و بار مسئولیت آنان را اضافه می‌کند.

۵. کافران سرانجام اموال و فرزندان خود را باقی می‌گذارند و با دست تهی از دنیا می‌روند و با دست خالی و به تنهایی در دادگاه عدل الهی حاضر می‌شوند.

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۷۹

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. کافران در خیالات و اوهامی بی‌دلیل غوطه‌ورند و سخنانشان بر مسئولیت و عذاب آنها می‌افزاید.

۲. رستاخیز روز تنهایی است (به یاد آن روز باشید).

\*\*\*

قرآن کریم در آیات هشتاد و یکم و هشتاد و دوم سوره‌ی مریم به انگیزه‌ی خیالی کافران در شرک‌ورزی و نتیجه‌ی عکس آن اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۸۱ و ۸۲. وَأَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ إِلَهًا لِيُكَفِّرُوا بِهِم \* كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا

و (کافران) غیر از خدا، معبودانی را برگزیدند تا [مایه عزتشان باشند]. \* هرگز چنین نیست، بزودی (معبودان) پرستش آنان را انکار خواهند کرد، و (دشمنی) بر ضد آنان می‌شوند.

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. در این آیات اشاره شده که مشرکان بر اساس عقاید خرافی خود، به دنبال معبودان دروغین و بت‌پرستی می‌روند تا باعث عزت

آنها شوند و در مشکلات آنها را یاری رسانند و یا در نزد خدا از مشرکان شفاعت کنند؟! اما این پندار باطلی است که نتیجه‌ی عکس می‌دهد.

۲. در آیات قرآن مکرر اشاره شده که معبودان دروغین، در رستاخیز، دشمن پرستندگان و پیروان خود می‌شوند. «۱» این آیه نیز به همین مطلب اشاره دارد.

البته برخی از مفسران احتمال داده‌اند که این آیه اشاره به آن باشد که

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۸۰

مشرکان در قیامت منکر عبادت بت‌ها می‌شوند و بر ضد آنها سخن می‌گویند؛ همان طور که در برخی آیات دیگر به این موضوع اشاره شده است «۱» اما تفسیر اول با سیاق و ظاهر آن سازگارتر است.

۳. در رستاخیز برخی معبودانِ مشرکان، هم‌چون فرشتگان و شیاطین و جن‌هایی که مورد پرستش قرار می‌گرفته‌اند، به سخن می‌آیند و ضد مشرکان سخن می‌گویند. برخی معبودان بی‌جان، مثل بت‌ها نیز به فرمان خدا به سخن در می‌آیند و از مشرکان اعلام بیزاری می‌کنند.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. عزت را نزد غیر خدا نجوید که نتیجه‌ی عکس به دست می‌آورد.

۲. رابطه‌ی دوستانه‌ی غیر الهی که در دنیا بین مشرکان و معبودان آنهاست، در آخرت به رابطه‌ی خصمانه تبدیل می‌شود.

\*\*\*

قرآن کریم در آیات هشتاد و سوم و هشتاد و چهارم سوره‌ی مریم با اشاره به تحریک کافران توسط شیطان‌ها، به لزوم صبر در برابر آنها و حساب‌رسی دقیق الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۸۳ و ۸۴. أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيْطِينَ عَلَى الْكُفْرِينَ تُوَزُّهُمْ أَرَاغًا فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا

آیا اطلاع نیافتی که ما شیطان‌ها را به سوی کافران فرستادیم در حالی که آنان را شدیداً تحریک می‌کنند؟\* پس در باره آنان شتاب مکن؛ جز این نیست که (اعمال و لحظات عمر) آنان را کاملاً شمارش می‌کنیم.

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۸۱

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. «أَرَاغًا» در اصل به معنای جوشیدن دیگ و زیر و رو شدن مواد درون آن و در این جا کنایه از آن است که شیطان‌ها کافران را تحریک می‌کنند و آن‌قدر بر آنان مسلط هستند که هرگونه بخواهند آنها را منقلب می‌کنند و در هر مسیری که مایل باشند آنان را به حرکت در می‌آورند.

۲. تحریک و تسلط شیطان بر انسان، اجباری نیست، بلکه این خود انسان است که به شیطان اجازه‌ی ورود به قلمرو جانش را می‌دهد و از او اطاعت می‌کند. «۱»

۳. مقصود از شمارش در این آیه، یا شمارش اعمال و ثبت آنان برای تشکیل دادگاه عدل الهی است و یا شمارش نفس‌ها «۲» و عمر انسان، که کنایه از کوتاه بودن آنهاست. «۳»

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. کافران از طرفی تحت تأثیر تحریکات شیطان و از طرف دیگر تحت نظر خدا هستند.

۲. در مورد کار کافران، عجله نکنید (که هر چه بیش‌تر لجاجت کنند، بار خود را سنگین‌تر می‌کنند).

\*\*\*

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۸۲

قرآن کریم در آیات هشتاد و پنجم و هشتاد و ششم سوره‌ی مریم به حالات مختلف و فرجام پارسایان و خلافکاران اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۸۵ و ۸۶. یَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا\* وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَرِدًا

(یاد کن) روزی را که پارسایان (خود نگه‌دار) را دسته‌جمعی [و با احترام به سوی (خدای) گسترده‌مهر گردآوری می‌کنیم]\* و خلافکاران را به سوی جهنم تشنه‌کامان می‌رانیم.  
نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. «وَفْدًا» در اصل به معنای گروهی است که برای حلّ مشکلاتشان نزد بزرگان می‌روند و مورد احترام قرار می‌گیرند. «۱»  
۲. در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که امام علی علیه السلام تفسیر آیه‌ی فوق را از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید و حضرت فرمودند:

ای علی، وَفْدًا، به کسانی می‌گویند که سوار بر مرکب‌اند. آنها افرادی تقوا پیشه هستند و خدا آنان را دوست دارد و مخصوص خود گردانیده و از اعمالشان خشنود است و آنان را «پارسایان» نامیده است. «۲»

۳. در این آیات به دو برخورد متفاوت با پارسایان و مجرمان اشاره شده است.

۴. در آیه‌ی دوم اشاره شده که مجرمان را به سوی جهنم می‌کشاند و در آیه‌ی اول اشاره شده که پارسایان را به سوی خدای رحمان می‌برند و نامی از بهشت برده نشده است؛ یعنی پارسایان در قیامت چیزی بالاتر از بهشت می‌یابند که همان مقام قرب الهی و رضایت اوست.

۵. «وَرِدًا» به معنای گروهی است که وارد محل آب می‌شوند و از آن جا که

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۸۳

چنین گروهی حتماً تشنه هستند، این تعبیر را کنایه از تشنه‌کامی گرفته‌اند؛ یعنی مجرمان تشنه‌کام وارد جهنم می‌شوند.  
آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. در رستاخیز، با پارسایان با احترام و با مجرمان با خواری رفتار می‌شود.

۲. اگر فرجام نیکو و احترام در رستاخیز را می‌طلبید، پارسایی پیشه سازید.

\*\*\*

### شفاعت چیست؟

قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و هفتم سوره‌ی مریم به شرط اساسی شفاعت اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۸۷. لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا

صاحب شفاعت نمی‌باشند، جز کسانی که از جانب (خدای) گسترده‌مهر، پیمانی گرفته‌اند.

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. «عهد» به معنای پیمان است و در این جا معنای وسیع آن مورد نظر است که شامل هر گونه رابطه با پروردگار، معرفت او و اطاعت

از خدا و نیز پیوند با مکتب اولیای حق و هر گونه عمل شایسته می‌شود. «۱»

۲. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

کسی که به ولایت امیر المؤمنین و امامان بعد از او عقیده داشته باشد، آن عهد او نزد خداست. «۲»

در حدیث دیگری ایجاد سرور و شادی در دل مؤمنان، عهد خدا معرفی شده است.

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۸۴

و در حدیث دیگری محافظت بر نمازهای پنجگانه عهد خدا معرفی شده است. «۱»

البته این گونه احادیث به مصداق‌های کامل یا روشن عهد اشاره می‌کند و به معنای انحصار مطلب آیه نیست.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. شفاعت در رستخیز ممکن است.

۲. اگر می‌خواهید مشمول شفاعت شوید با خدا ارتباط داشته باشید.

\*\*\*

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۸۵

شفاعت و قلمرو آن

الف) شفاعت منفی:

۱. «در رستخیز شفاعت مورد قبول واقع نمی‌شود.» (بقره، ۴۸، ۱۲۳ و ۲۵۴).

۲. «آیا غیر از خدا شفیعانی گرفته‌اند ... بگو: شفاعت، تمام شفاعت از آن خداست.» (زمر، ۴۴).

تذکر: با توجه به آیات بعد که شفاعت را به صورت مشروط صحیح و مورد قبول می‌شمارد، و براساس تفسیر قرآن به قرآن، روشن می‌شود که یک نوع شفاعت (پارتی‌بازی) مورد قبول نیست، ولی نوع دیگر شفاعت (با شرایطی که می‌آید) مورد قبول خدای متعال است؛ علاوه بر آن که از آیات قبل و بعد آیه ۴۴ سوره زمر استفاده می‌شود که این آیه شفاعت معبودان و بت‌ها را نفی می‌کند.

ب) شفاعت مثبت و مشروط:

۱. کسی می‌تواند شفاعت کند که از خدا رخصت داشته باشد (بقره، ۲۵۵؛ یونس، ۳؛ سبأ، ۲۳ و طه، ۱۰۹).

۲. کسی می‌تواند شفاعت کند که نزد خدا عهدی دارد (مریم، ۸۷).

۳. شفاعت نمی‌کنند مگر برای کسانی که مورد رضایت هستند (انبیاء، ۲۸).

ج) چه کسانی شفاعت می‌کنند؟

۱. خدا شفاعت می‌کند (انعام، ۵۱ و ۷۰ و زمر، ۴۴).

تذکر: روشن است که خدا کارها را با واسطه انجام می‌دهد؛ از این رو در آیات بخش قبل اشاره شده بود که به برخی افراد اجازه‌ی شفاعت می‌دهد.

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۸۶

۲. در احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که این افراد حق شفاعت دارند:

پیامبران، دانشمندان، شهیدان، اوصیاء (جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله)، مؤمنان، اهل بیت علیهم السلام، فرشتگان، قرآن، خویشاوندان، امانت و روزه. «۱»

۳. «عمل به حق و راستی شفاعت‌گر مردم هستند.» (امام علی علیه السلام) «۲».

۴. «هیچ شفاعت‌گری پیروزتر از توبه نیست.» (امام علی علیه السلام) «۳».

د) مشمولان شفاعت:

۱. کسانی که (دین آنها) مورد رضایت خدا باشد (انبیاء، ۲۸ و نجم، ۲۶).

۲. «مؤمنان اهل توحید مشمول شفاعت هستند.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) «۴».

۳. «شفاعت من برای کسانی است که گناه کبیره کرده‌اند نه اهل شرک و ظلم.» «۵» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله).  
ه) موانع شفاعت:

۱. گمراهان، شفاعت گر ندارند (شعراء، ۹۹-۱۰۰).

۲. «تکذیب گران رستاخیز شفاعت به حالشان سودی ندارد.» (مدثر، ۴۶-۴۸).

۳. «مشرکان و کافران از شفاعت محروم‌اند.» (رسول اکرم صلی الله علیه و آله) «۶».

۴. «شفاعت من به کسی که نماز را سبک می‌شمارد نمی‌رسد» «۷» (رسول اکرم صلی الله علیه و آله).

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۸۷

۵. «هر کس به شفاعت من ایمان ندارد، خدا او را مشمول شفاعت

من نمی‌کند.» (رسول اکرم صلی الله علیه و آله) «۱».

نتیجه: شفاعت به معنای پارتی‌بازی نیست. بلکه جبران کمبود افرادی است که ارتباط معنوی خود را با خدا حفظ کرده و در مسیر رضایت او گام برداشته ولی لغزش‌هایی داشته‌اند.

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۸۹

قرآن کریم در آیات هشتاد و هشتم تا نود و یکم سوره‌ی مریم به ادعای دهشتناک مشرکان در مورد فرزند داشتن خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۸۸-۹۱. وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا \* لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا \* تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا \* أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا

و گفتند: «(خدای) گسترده‌مهر فرزندی برای خود برگرفت.» \* واقعاً چیز زشت و وحشتناکی (بر زبان) آوردید! \* نزدیک است از این (سخن) آسمان‌ها بشکافند، و زمین شکافته شود، و کوه‌ها بشدت فرو ریزند؛ \* (به خاطر) این که برای (خدای) گسترده‌مهر فرزندی خواندند!

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. قرآن کریم بزرگ‌ترین مبارزه را با شرک می‌کند و بسیاری از آیات قرآن در نفی عقاید شرک‌آمیز است؛ زیرا این مسأله مهم‌ترین مشکل فکری بشر است. هنوز هم بیش از دو سوم جهانیان عقاید شرک‌آمیز دارند و هر کدام به نوعی برای خدای رحمان شریک قایل می‌شوند.

۲. قرآن در برخی آیات بیان کرده که یهودیان «عزیر» را فرزند خدا می‌دانستند و مسیحیان «عیسی» را پسر خدا می‌نامیدند و بت‌پرستان «فرشتگان» را دختران خدا می‌پنداشتند. «۱»

و هنوز هم مسیحیان دست از تثلیث برنمی‌دارند و مسیح را فرزند خدا می‌نامند و برای قانع کردن مردم برای آن توجیهات و تشبیهاتی بیان می‌کنند.

۳. در این آیات بیان شده که تهمت فرزند داشتن خدا آن‌قدر بزرگ است که نزدیک است آسمان‌ها و زمین از این سخنان شرک‌آمیز متلاشی شود.

این تعبیر یا اشاره به آن است که همه‌ی موجودات هستی شعور دارند و از این نسبت ناروا به پروردگار وحشت می‌کنند و ناراحت می‌شوند.

و یا کنایه از عظمت این تهمت است که گویی جهان هستی که بر اساس



تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۹۰

توحید بنا شده است، در اثر این سخنان شرک آمیز، ممکن است متلاشی شود. آری؛ تهمت به خدا، وحشتناک است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. نسبت فرزند داشتن به خدا، تهمت زشت و دهشتناکی است که ممکن است جهان را متلاشی سازد.

۲. با تهمت‌های مشرکان نسبت به خدا برخورد کنید و خطر بزرگ و زشتی آنها را روشن سازید.

\*\*\*

قرآن کریم در آیات نود و دوم تا نود و پنجم سوره‌ی مریم با هشدار به مشرکان و پاسخ به تهمت فرزند داشتن خدا می‌فرماید:

۹۲-۹۵. وَمَا يَتَّبِعِ لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا\* إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا\* لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا\* وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا

و برای (خدای) گسترده‌مهر سزاوار نیست که فرزندی گزیند! هیچ کس در آسمان‌ها و زمین نیست، مگر این که بنده‌وار به سوی (خدای) گسترده‌مهر آید.\* بی‌یقین آنان را حساب کرده و کاملاً آنان را شمارش نموده است.\* و همه آنان روز رستاخیز، به تنهایی نزد او می‌آیند.

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. فرزنددار شدن یا به خاطر جلوگیری از نابودی بشر و بقای نسل، یا برای طلب یاری از او در هنگام نیاز و پیری و یا برای داشتن مونس است.

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۹۱

اما خدای رحمان همیشه بوده و خواهد بود، پس نیازی به بقای نسل ندارد؛ او قدرتمندتر از همه است و پیری ندارد، پس نیاز به فرزند و یاور ندارد و او احساس تنهایی نمی‌کند تا مونس‌ی بخواهد.

علاوه بر این‌ها فرزند داشتن خدا، نشانه‌ی جسم بودن و محدودیت اوست، در حالی که خدا از این عوارض منزّه است؛ پس سزاوار نیست که خدا فرزندی داشته باشد.

۲. همه‌ی افرادی که در جهان هستی هستند، بررسی و شمارش شده‌اند و همگی بندگان خدایند، پس کسی غیر از آنها نیست تا فرزند او باشد.

۳. در روز قیامت هر کس را به تنهایی در محضر الهی حاضر می‌کنند؛ یعنی در آن روز، معبودان دروغین، دوستان و خویشاوندان همراه و یاور انسان نیستند، بلکه هر انسانی تنهاست و عقاید و اعمال اوست که سرنوشت وی را روشن می‌سازد. آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. خدا از فرزند داشتن بی‌نیاز است و این سخنان شرک آمیز شایسته‌ی ساحت مقدس او نیست.

۲. روز قیامت، روز تنهایی افراد است (برای آن روز آماده شوید).

۳. به تهمت‌های مشرکان نسبت به خدا، به صورت مستدل و منطقی جواب دهید.

\*\*\*

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۹۲

**مومنان محبوب دل‌ها می‌شوند**

قرآن کریم در آیه‌ی نود و ششم سوره‌ی مریم به محبوبیت مؤمنان شایسته کار اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۹۶. إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا

مسئلاً کسانی که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام داده‌اند، بزودی (خدای) گسترده‌مهر، برای آنان محبتی (در دل‌ها) قرار می‌دهد.

شان نزول:

داستان نزول آیه‌ی فوق از امام صادق علیه السلام این گونه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در حق علی علیه السلام دعا می‌کرد که خدایا، محبت علی را در دل‌های مؤمنان بیفکن و هیبت و عظمت او را در دل‌های منافقان قرار ده. بعد از این دعا این آیه فرود آمد. «۱»

و در برخی احادیث اهل سنت آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام مضمون این دعا را آموزش می‌داد و بعد از آن آیه‌ی فوق فرود آمد. «۲»  
نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. هر چند این آیه طبق نقل بسیاری از مفسران و محدثان شیعه و اهل سنت، در مورد علی علیه السلام نازل شده است، اما مفهوم و مطلب آیه عام است و امام علی علیه السلام مصداق کامل آن است. مطلب آیه منحصر در ایشان نیست و شامل هر مؤمن شایسته کار می‌شود و خدا محبت آنان را در قلوب دیگران قرار می‌دهد.

۲. برخی از مفسران بر آن‌اند که مقصود از این آیه آن است که خدا محبت

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۹۳

مؤمنان را در دل‌های دشمنانشان می‌افکند و آنان را به سوی ایمان می‌کشاند.

یا این که خدا محبت مؤمنان را در دل یک‌دیگر می‌اندازد تا باعث وحدت کلمه و قوت آنها شود.

و یا این که این آیه اشاره به دوستی مؤمنان و محبت آنان به یک‌دیگر در قیامت است.

ولی به نظر می‌رسد که این موارد از مصادیق آیه است و مفهوم آیه وسیع است و می‌تواند شامل همه‌ی این موارد باشد. «۱»

۳. در این آیه اشاره شده که ایمان و عمل شایسته، جاذبه‌ی فوق العاده‌ای دارد و قلب‌های دیگران را به سوی مؤمنان می‌کشاند و از این روست که حتی افراد آلوده و غیر مؤمن نیز مایل‌اند با افراد مؤمن، پاک، امین و درستکار دوستی و خویشاوندی برقرار کنند و هر انسانی از افراد ناپاک متنفر است.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. مؤمنان شایسته کار مورد عنایت الهی و محبوب دل مردمان می‌شوند.

۲. مؤمن شایسته کردار شوید تا محبوب مردم گردید.

\*\*\*

قرآن کریم در آیات نود و هفتم و نود و هشتم سوره‌ی مریم با اشاره به روان بودن قرآن و اهداف آن به مشرکان لجوج هشدار می‌دهد و می‌فرماید:

۹۷ و ۹۸. فَإِنَّمَا يَسْتُونَہٗ بِلِسَانِكَ لِنُبَشِّرَ بِہِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِہِ قَوْمًا لَّئِيمًا \* وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هَلْ تُحِشُّ مِنْہُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْرًا

و فقط آن [قرآن را بر زبان تو آسان ساختیم تا پارسایان (خود نگه‌دار) را بوسیله آن مژده دهی، و گروه دشمنان سرسخت را بدان هشدار دهی. \* و چه بسیار گروه‌هایی را که پیش از آنان هلاک کردیم؛ آیا هیچ کس از ایشان را احساس می‌کنی؟! یا صدای

آهسته‌ای از آنان می‌شنوی؟!

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۹۴

نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. قرآن بر زبان پیامبر صلی الله علیه و آله روان و آسان شده است. این روانی و آسانی یا از جهت فصاحت و آهنگ دل‌انگیز قرآن است که خواندنش آسان است؛ یا از جهت تسلط پیامبر صلی الله علیه و آله بر آیات قرآن است که برای حلّ هر مشکلی به آسانی از آنها استفاده می‌کند و یا از نظر محتواست که در عین عمیق بودن آن، درکش آسان است که همه‌ی این‌ها با امداد الهی صورت گرفته است.

۲. «لُئِد» در اصل به معنای دشمنی شدید است و به کسانی گفته می‌شود که در دشمنی خود متعصب، لجوج و بی‌منطق‌اند؛ یعنی مخالفان اسلام و قرآن دشمنی شدید و لجوجانه‌ای دارند. «۱»

۳. «رِکْز» به معنای صدای آهسته یا چیزهایی است که در زیر زمین پنهان است در این جا مقصود آن است که ملت‌های ستمکار پیشین چنان درهم کوبیده شدند که حتی صدای آهسته‌ای از آنان به گوش نمی‌رسد. «۲»

۴. هدف اصلی قرآن چیست؟

امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌فرماید:

در این کتاب شریف مسائلی هست که مهمش مسائل معنوی است و رسول اکرم و سایر انبیا نیامدند که این جا حکومت تأسیس کنند، مقصد اعلی این نیست، نیامده‌اند که این جا عدالت کنند، آن هم مقصد اعلی نیست، این‌ها همه مقدمه است ... کتاب‌های آسمانی که بالاترینش کتاب قرآن کریم است، تمام مقصدش همین است که حق تعالی را با همه‌ی اسما و صفاتی که دارد به مردم معرفی کند. «۳»

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۹۵

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. خدا قرآن را روان و ساده فرستاد تا همگان بفهمند و از آن پند گیرند.

۲. مژده‌رسانی و هشدارگری از اهداف قرآن کریم است.

۳. از سرنوشت عذاب‌آلود اقوام ستمگر پیشین عبرت بگیرید. «۱»

\*\*\*

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۹۷

## منابع

«کل مجلدات تفسیر مهر»

۱. آداب الصلوة، امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲.

۲. آشنائی با قرآن (ده جلدی)، مرتضی مطهری، تهران-قم، انتشارات صدرا، چاپ هیجدهم، ۱۳۸۲ ش.

۳. احصاء العلوم، فارابی، بی نا، بی تا.

۴. احیاء علوم الدین، محمد بن محمد غزالی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۵. ارشاد القلوب الی الصواب، دیلمی، حسن بن ابی الحسن، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ قمری.

۶. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحیدی النیشابوری، المكتبة العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق.

۷. اسلام و هیئت، سید هبه‌الدین شهرستانی، مطبعة الغری فی النجف، بی تا.

۸. اصول الفقه، محمد رضا مظفر، انتشارات المعارف الاسلامیه، تهران، چهار جلد در دو مجلد، ۱۳۶۸ ش.

۹. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش.

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۹۸

۱۰. اطلس القرآن، دکتر شوقی ابوخلیل، دارالکفر المعاصر بیروت و دارالفکر دمشق، ۱۴۲۳ ق.

۱۱. اعجاز القرآن و بلاغت محمد صلی الله علیه و آله، مصطفی صادق رافعی، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ ش.

۱۲. اعجاز قرآن، محمدحسین طباطبائی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۲ ش.

۱۳. اعلام القرآن، دکتر محمد خزائلی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰ ش.

۱۴. اعلام الوری بأعلم المهدی، امین الاسلام طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (صاحب مجمع البیان)، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، قم، چاپ سوم، بی تا.

۱۵. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق.

۱۶. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسخه حاضر از چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسسه جواد، بیروت عکسی برداری شده است).

۱۷. الاختصاص، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق.

۱۸. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق.

۱۹. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، محمد بن حسن شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ قمری.

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۳۹۹

۲۰. الامالی، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات کتابخانه اسلامیه (منشورات اعلمی، بیروت)، نوبت چهارم، اصلاحات ۱۳۶۲.

۲۱. الامالی، شیخ طوسی، محمد بن حسن، انتشارات دارالتقافه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمری.

۲۲. الامالی، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق.

۲۳. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۹۴ ق.

۲۴. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش.

۲۵. التفسیر الاثری الجامع، محمد هادی معرفت، موسسه التمهید، قم، الطبعة الاولى، ۱۳۸۳ ش.

۲۶. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن بن علی العسکری علیه السلام، قم، موسسه الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق، ۱ جلدی.

۲۷. التفسیر لکتاب الله المنیر، محمد الکریمی، قم، مطبعة العلمیه، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلدی.

۲۸. التفسیر و المفسرون، دکتر محمدحسین ذهبی، دارالکتب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م.

۲۹. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، محمد هادی معرفت، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق.

۳۰. التمهید فی علوم القرآن، همو، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم،

تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۴۰۰

۱۴۱۵ ق.

۳۱. التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،

- دوم، ۱۳۹۸ قمری (۱۳۵۷ شمسی).
۳۲. التوحید، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش.
۳۳. الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه، محمود صافی، دار الرشید دمشق و مؤسسه الامیان بیروت، بی تا.
۳۴. الجعفریات (الاشعثیات)، محمد بن محمد بن اشعث، مکتبه النینوی الحدیثه، تهران، بی نو، بی تا.
۳۵. الخصال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری.
۳۶. قرآن و علم امروز، الخطیب، عبدالغنی، ترجمه دکتر اسد الله مبشری، قرآن و علم امروز، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۳۷. الدر المنثور فی تفسیر الماثور، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی بکر السیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۳۸. الرسالة الذهبیة (طب الرضا علیه السلام)، امام رضا علیه السلام، انتشارات خیام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ قمری.
۳۹. البرهان فی علوم القرآن، الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبدالله، دار المعرفه، بیروت، چهار جلد، ۱۴۱۰ ق.
۴۰. الصحیفه السجادیه، امام زین العابدین علیه السلام، نشر الهادی، ۱۳۷۶ قمری.
۴۱. الصراط المستقیم الی استحقاق التقدیم، علی بن یونس نباطی بیاضی، تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۴۰۱
- انتشارات کتابخانه حیدریه نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۸۴ قمری.
۴۲. الضوء و اللون فی القرآن الکریم، نذیر حمدان، دمشق- بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ ق.
۴۳. الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، عبدالحسین احمد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۷۸ ق.
۴۴. الکافی، ثقه الاسلام کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی.
۴۵. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبدالله، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۳۰، هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری).
۴۶. المسند، احمد بن محمد ابن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق.
۴۷. المفردات فی غریب القرآن، ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، تهران، المکتبه الرضویه، ۱۳۳۲ ش.
۴۸. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر سید رضا پاک نژاد، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۰ ش.
۴۹. اهداف و مقاصد سوره‌ها، دکتر شحاته، ترجمه سید محمدباقر حجّتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵۰. اهل البیت فی الکتاب المقدس، احمد الواسطی، مطبعة الصدر ۱۹۹۷ م.
۵۱. بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسه الوفاء بیروت، لبنان، بی نو ۱۴۰۴ قمری.
۵۲. بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری.
۵۳. بوکای، موریس، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، مقایسه‌ای میان تورات، تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۴۰۲
- انجیل، قرآن و علم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش.
۵۴. پرواز در ملکوت مشتمل بر آداب الصلوة، امام خمینی، سید احمد فهری، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹ ش.

۵۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، رشت، کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱.
۵۶. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دکتر سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش.
۵۷. تاریخ الرسل و الملوك (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق.
۵۸. تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العتره الطاهره، حسینی استر آبادی، سید شرف الدین علی، مؤسسه نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسین قم، اول، ۱۴۰۹ قمری.
۵۹. تحریر الوسیله، روح الله موسوی خمینی قدس سره، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، بی تا، چاپ دوم.
۶۰. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، حرانی حسن بن شعبه، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری.
۶۱. تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر) محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۵ جلدی.
۶۲. تفسیر اثنی عشری، حسین بن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، (م ۱۳۸۴ ق)، تهران، انتشارات میثاق، چاپ اول، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۴ ش.
۶۳. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۲ جلدی، ۱۳۶۶ ش.
- تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۴۰۳
۶۴. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ ق) تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش.
۶۵. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، منسوب به امام عسکری علیه السلام، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ قمری.
۶۶. تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش.
۶۷. تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن الحسن علی الطوسی (م ۴۶۰ ق)، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۹ ق.
۶۸. تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن الکریم، شیخ محمد السبزواری النجفی (م ۱۴۱۰ ق)، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۷ جلدی، ۱۴۰۲ ق.
۶۹. تفسیر الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، سید عبدالله شبر (م ۱۲۴۲ ق)، کویت، مکتبه الالفین، ۶ جلدی، ۱۴۰۷ ق.
۷۰. تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی.
۷۱. تفسیر الحبري، ابو عبدالله الکوفی الحسین بن الحکم بن مسلم الحبري، (م ۲۸۶) بیروت، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۸ ق.
۷۲. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی قندی المعروف بالعیاشی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
۷۳. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، محمد صادقی تهرانی، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۳۰ جلدی، ۱۴۰۶ ق.
۷۴. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر) سید عبدالله شبر (م ۱۲۴۲ ق)، بیروت، دارالبلاغه للطباعه و النشر و التوزیع، ۱ جلدی، ۱۴۱۲ ق.
- تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۴۰۴
۷۵. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۴ جلدی، ۱۳۶۲ ش.

۷۶. تفسیر القرآن الکریم، صدرالمآلهین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، (م ۱۰۵۰ ق) قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۷ جلدی، ۱۳۶۶ ش.
۷۷. تفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق) بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۹۸۱ م.
۷۸. تفسیر المعین، مولی نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی (م بعد ۱۱۱۵ ق) قم، نشر کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، بی تا، ۳ جلدی.
۷۹. تفسیر المنار (تفسیر القرآن الحکیم)، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفه، الطبعة الثانية.
۸۰. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا، چاپ دوم.
۸۱. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن الحسین بن ابی جامع العاملی (م ۱۱۳۵ ق) قم، دار القرآن الکریم، ۱ جلد، ۱۴۱۳ ق.
۸۲. تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داورپناه، تهران، انتشارات صدر، ۹ جلدی، ۱۳۷۵ ش.
۸۳. تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمد حسینی الهمدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۸ جلدی، ۱۳۸۰ ق.
۸۴. تفسیر بیان السعادة فی مقامات العباد، حاج سلطان محمد الجنابذی ملقب به سلطان علیشاه (م ۱۳۲۷ ق) تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۴ جلدی، ۱۳۴۴ ش.
۸۵. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) تهران، شرکت تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۴۰۵  
سهامی انتشار، ۶ جلدی، ۱۳۶۶ ش.
۸۶. تفسیر تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش.
۸۷. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان، سید محمد الحسینی الشیرازی، بیروت، موسسه الوفاء، ۳۰ جلدی در ۱۰ مجلد، ۱۴۰۰ ق.
۸۸. تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)، احمد بن محمود ثعلبی (م ۴۲۷ ق) بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۸۹. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۳۴۱ ش.
۹۰. تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی (م، اواخر قرن نهم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۳۷ ش.
۹۱. تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق) تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق.
۹۲. تفسیر حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، سید عبدالحجة بلاغی، قم، چاپ حکمت، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۵ ش.
۹۳. تفسیر خسروی، شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق) تهران، چاپ اسلامیه، ۸ جلدی، ۱۳۹۷ ق.
۹۴. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش.
۹۵. تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، میرزا محمد ثقفی تهرانی، تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۴۰۶  
تهران، انتشارات برهان، چاپ دوم، بی تا، ۵ جلدی.
۹۶. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات سروش، ۲ جلدی، ۱۳۷۴ ش.
۹۷. تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس

- رضوی، ۱۴ جلدی، ۱۳۷۴ ش.
۹۸. تفسیر سوره حمد، روح الله موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱ ش.
۹۹. تفسیر شریف لاهیجی، بهاء‌الدین محمد شیخ علی الشریف اللاهیجی، (م ۱۰۸۸ ق)، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۴ جلدی، ۱۳۶۳ ش.
۱۰۰. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق.
۱۰۱. تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، جعفر سبحانی، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، قم، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، (انتشارات توحید)، ۱۳۷۱ ش.
۱۰۲. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، مشهد، کتاب فروشی باستان، و تهران، کتابخانه صدوق، ۸ جلدی، ۱۳۶۳ ش.
۱۰۳. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، قمی، علی بن ابراهیم، موسسه دارالکتاب، قم، سوم، ۱۴۰۴ قمری، کتاب حاضر نسخه عکسی از چاپ دوم نشر مکتبه المهدی نجف می باشد که بیروت نیز از آن عکس گرفته است.
۱۰۴. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، (م حدود ۳۰۷ ق) قم، موسسه دارالکتاب للطباعة و النشر، چاپ سوم، ۲ جلدی.
۱۰۵. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی (اواخر تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۴۰۷
- قرن سوم هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۱۰۶. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الخامسة.
۱۰۷. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.
۱۰۸. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.
۱۰۹. تفسیر کشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفه، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق.
۱۱۰. تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار (تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، احمد بن محمد میدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش.
۱۱۱. تفسیر کشف الحقایق عن نکت الایات و الدقائق، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید- صادق نوبری، چاپ سوم، ۲ جلدی، ۱۳۹۶ ق.
۱۱۲. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش.
۱۱۳. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۱۱۴. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی- م ۱۴۰۴ ق) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۰ جلدی، ۱۳۶۱ ش.
- تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۴۰۸
۱۱۵. تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات لثمر، سیدعلی الحائری الطهرانی (م ۱۳۴۰ ق) تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۲ جلدی، ۱۳۲۷ ش.
۱۱۶. تفسیر من وحی القرآن، محمدحسین فضل الله، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
۱۱۷. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح الله کاشانی (م ۹۹۸ ق)، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ دوم، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۴ ش.
۱۱۸. تفسیر من هدی القرآن، سید محمدتقی مدرس، بی‌جا، دارالهدی، ۱۸ جلدی، ۱۴۰۶ ق.



۱۱۹. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، نجف اشرف، مطبعة الاداب، ۴ جلدی، ۱۴۰۴ ق.
۱۲۰. تفسیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)، حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق)، تهران، کتاب فروشی اقبال، چاپ اول، ۴ جلدی، ۱۳۱۷ ش.
۱۲۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش.
۱۲۲. تفسیر نورالثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی حویزی، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۸۳ ش.
۱۲۳. تفسیر نور، محسن قرائتی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش.
۱۲۴. تفسیر نهج البیان عن کشف معانی القرآن، محمد بن الحسن الشیبانی، (قرن هفتم) تهران، موسسه دائرةالمعارف اسلامیه، ۱ جلد، ۱۴۱۲ ق.
۱۲۵. تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف (مجموعه ورم)، ورام بن ابی فراس، انتشارات مکتبه الفقیه، قم. کتاب حاضر نسخه عکسی از انتشارات دار صعب و دار التعارف بیروت به سال ۱۳۷۶ قمری است.
- تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۴۰۹
۱۲۶. تنزیه الانبیاء و الائمة علیهم السلام، علم الهدی سید مرتضی، انتشارات شریف رضی، قم، بی نو، ۱۲۵۰ قمری.
۱۲۷. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، شیخ طوسی، محمد بن حسن، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی.
۱۲۸. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴ شمسی.
۱۲۹. جامع الاخبار، شعیری، تاج الدین محمد، انتشارات رضی قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی.
۱۳۰. جواهر القرآن غزالی، بیروت- دمشق، مرکز العربی الکتاب، بی تا.
۱۳۱. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، روح الله خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۵ ش.
۱۳۲. چهل حدیث، امام خمینی، بی جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، بی تا.
۱۳۳. خدا از دیدگاه قرآن، سید محمد حسینی بهشتی، انتشارات بعثت، تهران، بی تا.
۱۳۴. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ش.
۱۳۵. دراسات قرآنیة، المبادئ العامه لتفسیر القرآن الکریم، محمدحسین علی الصغیر، تهران مکتبه الاسلامی، ۱۴۱۲ ق.
۱۳۶. الطب فی القرآن الکریم، دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، مؤسسه علوم القرآن، دمشق، الطبعة السابعة، ۱۴۰۴ ق. و نیز تحت عنوان طب در قرآن، ترجمه علی چراغی، انتشارات حفطی بی تا، تهران.
۱۳۷. دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ شیرازی، مؤسسه انتشارات تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۴۱۰
- امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش.
۱۳۸. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثانی، سید محمود آلوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
۱۳۹. روح عرفانی روح الله، محمدرضا رمزی اوحدی، تهران، مؤسسه توسعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۷۸ ش.
۱۴۰. روزه درمان بیماری‌های روح و جسم، سید حسین موسوی راد لاهیجی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش.
۱۴۱. روش‌شناسی تفسیر قرآن؛ بابائی و دیگران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
۱۴۲. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛ حسین علوی مهر، انتشارات اسوه، سال ۱۳۸۱.
۱۴۳. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سیدرضا مؤدب، قم، دانشگاه (انتشارات اشراق)، ۱۳۸۰ ش.

۱۴۴. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، ید الله، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش.
۱۴۵. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوة للطباعة و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق.
۱۴۶. سیره ابن هشام (السیره النبویه)، عبدالملک بن هشام، بیروت، المكتبة العربیة، ۱۴۱۹ ق.
۱۴۷. شرح دعای سحر، امام خمینی، ترجمه سید احمد فهری، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ ش.
۱۴۸. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن هبئه الله، ابن ابی الحدید، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش.
- تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۴۱۱
۱۴۹. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی (ابن حذاء، ابن حداد)، عبیدالله قضی، تحقیق: محمدباقر محمودی، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ قمری.
۱۵۰. صحیح بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل البخاری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چهار جلدی، ۱۴۰۰ ه. ق.
۱۵۱. صحیفه نور، روح الله موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۵۲. الفرقان و القرآن، عبدالرحمن العکک، شیخ خالد، الفرقان و القرآن، الحکمة للطباعة و النشر، سوریه، ۱۴۱۴ ق.
۱۵۳. عدۀ الداعی، ابن فهد حلّی، جمال الدین ابوالعباس، احمد بن محمد حلّی، انتشارات دارد کتاب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری.
۱۵۴. علل الشرایع، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات مکتبه الداوری، قم، کتاب حاضر عکس انتشارات، کتابخانه حیدریه، نجف، به سال ۱۳۶۸ قمری است.
۱۵۵. علم و دین، ایان باربوی، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش.
۱۵۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جهان، بی جا، بی نو، ۱۳۷۸ قمری.
۱۵۷. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ قمری.
۱۵۸. فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چهار جلدی، ۱۴۱۹ ق.
- تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۴۱۲
۱۵۹. فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ ش.
۱۶۰. فقه القرآن، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ قمری.
۱۶۱. فیزیک نوین، دکتر اریک اوبلاکر، ترجمه ی بهروز بیضائی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش.
۱۶۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۲ ش.
۱۶۳. قاموس کتاب مقدس، جمیز هاکس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۱۶۴. قرآن ناطق، بی آزار شیرازی، عبدالکریم، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۱۶۵. قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، بی تا.
۱۶۶. قرب الاسناد، حمیری عبدالله بن جعفر، انتشارات نینوی، تهران، (چاپ فعلی سنگی است در چاپخانه اسلامی به چاپ رسیده است).
۱۶۷. قصص الانبیاء علیهم السلام، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس روضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ قمری.

۱۶۸. کتاب مقدس (تورات و انجیل)، مترجم انجمن کتاب مقدس، ایران، چاپ دوم، ۱۹۸۷ م.
۱۶۹. کشف الغمّه فی معرفه الائمه علیهم السلام، اربلی علی بن عیسی، انتشارات مکتبه بنی هاشمی، تبریز، بی‌نو ۱۳۸۱ قمری.
- تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۴۱۳
۱۷۰. کفایه الاصول، آخوند محمد کاظم خراسانی، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۱۷۱. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه قم، چاپ دوم، ۱۳۹۵ قمری.
۱۷۲. کنزالفوائد، کراچکی، ابوالفتح، انتشارات دارالذخائر، قم، اول، ۱۴۱۰ قمری.
۱۷۳. گلستان سعدی، کتاب فروشی برادران علمی، بی‌جا، ۱۳۶۶ ش.
۱۷۴. لباب النقول فی اسباب النزول، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق.
۱۷۵. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، قم، آداب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.
۱۷۶. مبانی فلسفه علی اکبر سیاسی، تهران، دانشگاه تهران.
۱۷۷. مبانی و روش‌های تفسیری، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، چاپ چهارم انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۷۸. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب آملی مازندرانی، رشید الدین محمد، انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ قمری.
۱۷۹. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون) جلال الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵ ش.
۱۸۰. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، حسین، تحقیق و نشر موسسه آل البیت علیهم السلام، قم، اول، ۱۴۰۸ قمری.
۱۸۱. تکامل در قرآن، مشکینی اردبیلی، آیه الله علی، بی تا، ترجمه حسینی نژاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۱۸۲. آموزش فلسفه، مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، سازمان
- تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۴۱۴
- تبلیغات اسلامی، تهران، دو جلد، ۱۳۶۸.
۱۸۳. معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۷ ش، ۵۲۰ ص.
۱۸۴. معانی الاخبار، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۶۱ قمری.
۱۸۵. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۷۹ ق.
۱۸۶. مکارم الاخلاق، طبرسی (فرزند صاحب مجمع البیان) رضی الدین حسن بن فضل، انتشارات شریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ قمری.
۱۸۷. منطق ترجمه قرآن، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۱۸۸. منطق تفسیر قرآن (۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵ ش.
۱۸۹. منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۱۹۰. من لایحضره الفقیه، التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ قمری.
۱۹۱. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مهاجری، مسیح، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ ش.

۱۹۲. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.  
تفسیر قرآن مهر جلد دوازدهم، ص: ۴۱۵
۱۹۳. مطالب شگفت‌انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۱۹۴. نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، محمد علی رضائی اصفهانی و همکاران، قم، دار الذکر، ۱۳۸۴ ش.
۱۹۵. جهان دانش، فرهنگ دانستیها، نژاد، محمد، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش.
۱۹۶. نگاهی به ادیان زنده جهان، حسین توفیقی، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، ۱۳۷۷ ش.
۱۹۷. دانش عصر فضا، نوری، آیه الله حسین، نشر مرتضی، قم، ۱۳۷۰ ش.
۱۹۸. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، تدوین، سید رضی، انتشارات دارالهجره، قم (نسخه صبحی صالح).
۱۹۹. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش.
۲۰۰. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن الحسن حرّ عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق.
۲۰۱. هفت آسمان، بهبودی، محمد باقر، تهران، کتابخانه مسجد جعفری قیطریه.